هفته‌نامه اقتصادی، اجتماعی

اخبار آزاد مناطق

شماره ۲۳۹ - دوشنبه
۳۰ مرداد ماه ۱۴۰۲
سال پنجم
۱۵۰۰۰ تومان

در گفت‌وگو با کارشناسان مسائل اقتصادی کشور بررسی شد:

آیا رویای جذب سرمایه‌گذاری خارجی مسئولین در مناطق آزاد قابل تعبیر است؟

صفحه ۴ و ۵ را بخوانید

سرمقاله

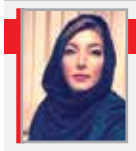

مرضیه حسینی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول

زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری مناطق آزاد؛ شاه‌بیت مثنوی توسعه

طی سال گذشته، ما در حوزه مناطق آزاد، بیشترین تمرکز و توجه را به کاستی‌های بخش قانون و تعدی‌های انجام گرفته بر حقوق قانونی این مناطق و همچنین فرآیندهای مدیریتی آنها داشته‌ایم و به عنوان یک رسانه مرجع و تخصصی در ارتباط با مناطق آزاد، از موضوع بسیار مهمی غفلت نمودیم؛ «مسئله چالش‌برانگیز و اساسی زیرساخت‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری».

به نظر می‌رسد زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری و عمرانی مناطق آزاد به علت کاهش منابع درآمدی سازمان‌ها، نبود ثبات مدیریتی و برنامه‌ریزی، افزایش هزینه‌ها و سایر عوامل مترتب و حاکم بر مناطق، امروز دچار فرسایش، عدم‌کارکرد و مطلوبیت شده‌اند. این یعنی سازمان‌های مناطق آزاد در سال‌های گذشته نتوانسته‌اند آن‌طور که باید، در توسعه زیرساخت‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری مناطق متبوع خود اقدامات موثری انجام دهند؛ به طوری که طی روزهای گذشته رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم به صورت علنی و صراحتا اعلام کرد که نمی‌توانیم آب آشامیدنی مردم منطقه را تامین نماییم! این صحبت‌ها درحالی مطرح می‌شود که قشم یک جزیره است و اطراف آن را آب‌های نیلگون خلیج همیشگی فارس احاطه نموده و در چنین روزگاری ما باید شاهد تاسیسات فعال و متعدد آب شیرین کن‌ها در سطح این جزیره می‌بودیم، نه اعلام عجز و ناتوانی مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم! وقتی آب برای خوردن نباشد، به طریق اولی آب برای صنعت، خدمات و گردشگری نیست. وقتی آب نباشد، آبادانی هم نیست.

اوضاع زیرساخت‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری در سایر مناطق آزاد کشور نیز وضعیت بهتری از قشم ندارند. وقتی آمار بودجه عمرانی سازمان‌های مناطق آزاد، از بودجه جاری کمتر باشد و مخارج روزمره سازمان‌ها، بیشترین سهم را در سبد هزینه‌ها کسب کند؛ قاعدتا پروژه‌های عمرانی و زیربنایی تعطیل خواهند شد.

امروز در مناطق آزاد زیرساخت‌هایی نظیر شبکه ارتباطی و ترانزیت، بهداشت، برق، گاز، آب و... پاسخگوی نیازهای فعلی مردم و فعالین اقتصادی نیست، چه برسد به طرح‌های توسعه آتی. در این حالت مسئولین چگونه از جذب سرمایه‌گذاری صحبت می‌کنند؟! حتی اگر شرایط قانونی و مزیت‌های قانونی سرمایه‌گذاری به صورت کامل اتفاق بیفتد، یقینا در نبود زیرساخت‌های لازم، هیچ سرمایه‌گذاری نقد زیرساخت‌ها را به نسیه مشوق‌ها ترجیح نخواهد داد. قانون، فضای تنفس توسعه است؛ اما هیچ توسعه‌ای در هوا شکل نخواهد گرفت، بلکه در زمین واقعیت‌های در دسترس انجام می‌گیرد.

زمانی که منطقه آزاد کیش که گل سرسبد مناطق آزاد ایران است، امروز در حوزه گردشگری که اولویت اساسی و استراتژیک توسعه این منطقه می‌باشد، قادر نیست در بخش ترانزیت هوایی، امکانات مکفی و ارزان را برای گردشگران داخلی فراهم کند؛ سایر مناطق آزاد هم حتما و قطعا در تامین زیرساخت‌های توسعه صنعتی، کشاورزی، ترانزیت، دانش‌بنیان و غیره دچار مشکلات عدیده خواهند بود.

فلذا باید بگوییم، غفلتی که در حوزه ایجاد و توسعه زیرساخت‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری مناطق آزاد در سالیان گذشته صورت گرفته است، حتی با تکمیل و اصلاح ساختار قانونی و حقوقی این مناطق نیز قابل جبران نمی‌باشد.

بنابراین لازم می‌نماید؛ دوستان و مسئولین گرامی در اولین فرصت به فکر تدوین بسته‌های سرمایه‌گذاری این‌بار با هدف جلب رضایت سرمایه‌گذاران فعلی خود و تامین نیازهای زیرساختی و عمرانی سرمایه‌گذاران آتی باشند. خلاصه لازم است، سازمان‌های مناطق آزاد نسخه‌های معجزه‌گر سرمایه‌گذاری را برای خودشان بپیچند.

به هرحال پس از تمام گشت و گذارهای داخلی و خارجی بنام جذب سرمایه‌گذاری؛ مردم طبیعتا انتظار دارند مدیران و مسئولین سازمان‌های مناطق آزاد همت مضاعف در جهت رفع کاستی‌های متعدد فعلی و تامین شرایط بهینه برای آینده بگمارند. اینجاست که عزم، اراده، هنر مدیریت و عمق بسته‌نگاری‌های مسئولان برای مردم عیان خواهد شد.

البته این رسانه کماکان پیگیر ضعف‌ها و نقص‌های قانونی مناطق آزاد و تعرضات سایر نهادها و دستگاه‌های مستقر در سرزمین اصلی به حقوق حقه فعالین اقتصادی مناطق آزاد خواهد بود. ولی ماموریت اصلی رسانه‌ها، به جز رسالت مطالبه‌گری نیست. بخشی از این رسالت هم مربوط به عملکرد سازمان‌های مناطق آزاد در تامین و آماده‌سازی پروژه‌های زیرساختی است.

در پایان اعلام می‌داریم، طی شمارگان آتی نشریه، به قدر کفایت، برنامه‌های سازمان‌های مناطق آزاد در راستای توسعه زیرساخت‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری را، به همراه بررسی شرایط موجود، به تفکیک مورد مداقه قرار می‌دهیم؛ چراکه به نظر می‌رسد مسئولان محترم دبیرخانه شورایعالی و سازمان‌های مناطق آزاد هفتگانه، بیش از حد در رویاهای توسعه خویش وقت صرف می‌کنند. شاید لازم باشد کمی هم به واقعیت‌های موجود توجه نمایند.

واکاوی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مناطق آزاد ساحلی کشور برای گسترش اقتصاد دریا و ترانزیت بین‌المللی:

وجوب شکل‌گیری منطقه آزاد تخصصی صنایع دریایی جهت تحقق توسعه اقتصاد دریامحور

صفحه ۳ را بخوانید

ضرورت مداقه بر حوزه صنایع‌دستی در جهت افزایش صادرات و تولید ناخالص ملی:

توسعه اقتصاد صنایع‌دستی و ایجاد اشتغال پایدار برای جوامع محلی در مناطق آزاد

صفحه ۷ را بخوانید

بررسی مزیت‌ها و توانمندی‌های مناطق آزاد ایران در جهت بین‌المللی‌سازی اقتصاد ملی:

تحقق شعار جهانی شدن مناطق آزاد با توسعه تجارت بین‌المللی به عنوان محرک رشد اقتصادی

صفحه ۸ را بخوانید

اخبار منطقه آزاد کیش

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش تاکید کرد:

ضرورت حفظ شان و کرامت انسانی، هدف اصلی مبارزه با مصرف مواد مخدر در کیش

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، هم‌افزایی و تعامل دستگاه‌ها با توجه به مواردی ازجمله هوشمند بودن، آزمایش جدی، فعال بودن بخش رصد و به‌روز بودن آمارها را عامل مهمی در مبازه با مواد مخدر در کیش دانست.

رحیم سرهنگی در دومین جلسه شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر که با حضور علیرضا کاظمی قائم‌مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور برگزار شد؛ با تبریک سال روز بازگشت آزادگان سرافراز و تسلیت حادثه تروریستی شاهچراغ، به نقش مهم این جلسات در راستای مبارزه با معضل مواد مخدر در جزیره اشاره کرد و گفت: تلاش‌های شبانه‌روزی نیروی انتظامی و دریابانی ویژه کیش با هدف مبارزه با این معضل ستودنی است.

سرهنگی همچنین نقش آموزش و پرورش در کنار سایر نهادها برای مبارزه با مواد مخدر را مهم عنوان کرد و افزود: با توجه به شکل‌گیری زمینه‌های اعتیاد از دوران مدارس لازم است تا معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان با همکاری آموزش و پرورش کیش نسبت به رفع این مشکلات اقدام کنند.

وی با بیان این موضوع که کیش جزیره پاک نامیده می‌شود، گفت: برای داشتن جامعه‌ای سالم و پاک در کیش باید با همکاری تمام نهادها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آنها سلامت روانی و اجتماعی جزیره نیز ارتقاء داده شود.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در پایان اظهار داشت: انسان در بین موجودات، از کرامات ویژه‌ای برخوردار است و وظیفه ما حفاظت از این شان انسانی و تلاش برای پیشگیری از مبتلا شدن جامعه به اعتیاد است.

همچنین، امام‌جمعه کیش نیز در این جلسه با بیان این‌که در آموزه‌های قرآنی از انسان به عنوان باکرامت‌ترین موجودات نام برده شده است، گفت: جامعه اسلامی فضیلت‌مدار باید عاری از هرگونه آسیب‌های اجتماعی بوده و همگی در تحقق این امر مهم مسئول هستند.

حجت الاسلام و المسلمین علیرضا بی‌نیاز افزود: با برنامه‌ریزی و ساماندهی لازم، باید برای رفع برخی مشکلات و کاهش آسیب‌ها در جزیره اقدام کرد.

وی با بیان این‌که مشکلات معیشتی و رکود اقتصادی نیز در افزایش آسیب‌های اجتماعی نقش دارند، عنوان کرد: باید از تلاش‌های خوب سازمان منطقه آزاد کیش برای رفع مشکلات کسب و کار و معیشت مردم تشکر و قدردانی کرد.

امام‌جمعه کیش، نیروهای فرهنگی، مومن و ولایتمدار کیش را یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های جزیره عنوان و خاطرنشان کرد: باید با فعالیت‌های فرهنگی و ایجابی و استفاده از ظرفیت دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها، در راستای رفع آسیب‌ها اجتماعی اقدامات مهمی انجام داد.

در ادامه، سرپرست معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان منطقه آزاد کیش با اشاره به آسیب‌های اجتماعی که به واسطه ورود مواد مخدر به جامعه ایجاد می‌شود، گفت: با توجه به موقعیت جغرافیایی و مساحت کم جزیره کیش، هرگونه ناهنجاری در آن به وضوح دیده می‌شود؛ از این‌رو باید تدابیر مهم و جدی در این خصوص اندیشیده شود.

علیرضا فاطمیان‌پور در ادامه افزود: توجه به مبادی ورود و خروج و همچنین مصرف‌کنندگان مواد مخدر در کیش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و براساس آمارهای موجود، بیشترین نظارت باید بر مدارس معطوف شود.

سرپرست معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان منطقه آزاد کیش به شکل‌گیری قرارگاه‌های مبارزه با مواد مخدر در کیش به صورت شکلی و موردی اشاره کرد و تصریح نمود: در راستای مبارزه با مصرف مواد مخدر در کیش باید به مواردی ازجمله هوشمند بودن، آمایش و آزمایش جدی، هم‌افزایی بخش‌های مختلف جزیره، فعال بودن بخش رصد و به روز بودن آمارها توجه ویژه داشت.

همچنین، قائم‌مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور نیز در این نشست با اشاره به این‌که مصرف مواد مخدر در دنیا نسبت به یک دهه قبل ۲۳درصد افزایش داشته است، گفت: براساس تحلیل‌های جهانی فقر، سلاح‌های کشتار جمعی، محیط زیست و اعتیاد به عنوان چهار بحران بنیان‌کن و ویرانگر به‌شمار می‌روند.

علیرضا کاظمی با بیان این‌که آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی، خطری بزرگ و تهدیدی جدی برای کشور است و افزود: با هم‌افزایی و تعامل بین مردم و نهادها می‌توان در پیشبرد هر چه بهتر اهداف اقدام کرد.

وی در ادامه اظهار داشت: همزمان با فعالیت‌های کوتاه‌مدت، باید برنامه‌ریزی‌های بلندمدت نیز در نظر گرفته شود.

قائم‌مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور در پایان از آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین هدف در برنامه بلندمدت نام برد و خاطرنشان کرد: با حضور دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها باید برنامه‌های عملیاتی مناسبی در راستای مبارزه با مواد مخدر ترسیم کرد.

گفتی است، اعضای شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر کیش در این نشست به ارائه آمارهای یک‌ساله و فعالیت‌های اجرا شده درخصوص آموزش و پرورش، اقدامات پلیس مبارزه با مواد مخدر، اقدامات بهزیستی، اقدامات دستگاه‌های قضایی و اقدامات بهداشتی و سلامت ارائه شد.

با امضاء تفاهم‌نامه همکاری سازمان منطقه آزاد کیش و شیلات ایران محقق می‌شود:

توسعه سرمایه‌گذاری و گردشگری دریایی در آب‌های پیرامون جـــزیره کیش

تفاهم‌نامه همکاری میان سازمان شیلات ایران و سازمان منطقه آزاد کیش با هدف حفاظت و بهره‌برداری مسئولانه و پایدار از منابع آبزی و توسعه سرمایه‌گذاری و گردشگری دریایی در آب‌های پیرامون کیش به امضاء رسید.

رحیم سرهنگی رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش و سیدحسین حسینی معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان شیلات ایران در حوزه‌های مدیریت فعالیت‌های صید و صیادی، آبزی‌پروری، فرآوری و بازار آبزیان و فعالیت‌های آموزشی، علمی و پژوهشی تفاهم‌نامه همکاری مذکور را امضاء کردند.

براساس این گزارش، این تفاهم‌نامه که در ۹ماده به مدت سه‌سال راهبرد همکاری دو سازمان را تعیین می‌کند؛ مشتمل بر موضوعات همکاری همچون تهیه بسته‌های سرمایه‌گذاری در بخش دریایی، اختصاص ظرفیت مناسب و ویژه برای سرمایه‌گذاران آبزی‌پروری در دریا، توسعه و تقویت تعاونی‌ها و تشکل‌های صیادی، سازماندهی یگان حفاظت منابع آبزیان و تجهیز آن، اقدامات پژوهشی شیلاتی و اعلام آن به دانشگاه‌های و موسسات علمی در کیش و تعیین محدوده‌های مدیریت صید است.

گفتنس است، در این تفاهم‌نامه بر همکاری‌های مشترک در تهیه نقشه دریایی براساس برنامه‌ریزی فضایی دریایی به منظور تعیین کاربری‌های مختلف دریا و ساحل در فعالیت‌های شیلاتی و گردشگری در حوزه صیدگاه کیش، همکاری در زمینه ساماندهی و تقویت بندر صیادی میرمهنا، تامین زیرساخت‌های پروژه‌های مشترک و همکاری و مساعدت تمامی دستگاه‌های انتظامی، نظامی و اجرایی از ذخایر آبزیان و زیستگاه‌های آنها و معرفی سرمایه‌گذاران حوزه شیلات تاکید شده است.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش عنوان کرد:

در کیش، «جایگاه» به معنای منزلت نیست؛ به معنای مسئولیت است

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با اشاره به اهمیت پذیرفتن مسئولیت در هر جایگاه سازمانی که برای هر میزی جوانان این ممکلت به شهادت رسیدند؛ بر تاثیرگذاری تاریخچه سازمانی، هنر تغییر و دستیابی به وضع مطلوب و حفظ منافع ذی‌نفعان و مشارکت در تصمیم‌گیریها، تاکید کرد.

در این نشست که با حضور مشاوران، معاونان، مدیران و روسای ادارت سازمان منطقه آزاد کیش و شرکت‌های تابعه با محوریت «تبیین و اهمیت مدل حکمرانی محلی، حفظ منافع ذی‌نفعان سازمان، ارتقاء سطح فرهنگ سازمانی، شفافیت و قانون‌مداری و رویکرد مانع ذهنی در برابر تغییر» در سالن خلیج‌فارس مرکز همایش‌های بین‌المللی کیش برگزار شد، رحیم سرهنگی تاثیرگذاری پیشینه سازمان به عنوان فرهنگ سازمانی در بهره‌وری سرمایه‌های فکری را مهم ارزیابی کرد.

وی در این نشست هم‌اندیشی با بیان این‌که برنامه‌های پیش‌بینی شده براساس هنر تغییر، زمینه‌ساز شرایط مناسب و حرکت به وضع مطلوب سازمانی می‌شود، اظهار داشت: گام‌های موثری می‌توان برای ترسیم زیرساخت‌های سازمانی و پیشبرد اهداف کلان از پیش تعیین شده برداشت.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، تحقق این امر مهم را تشکیل کارگروه‌های تخصصی گفت‌وگومحور در این زمینه عنوان کرد و افزود: وضع مطلوب سازمان با تعامل سایر ذی‌نفعان در مدل نخبگان مشخص می‌شود و مسیری که نقطه تلاقی این دو اصل تاثیرگذار است، باید مورد اهتمام ویژه قرار گیرد.

سرهنگی، استراتژی بهبود و تحول درون‌سازمانی را از برنامه‌های مهم و راهبردی برشمرد و اذعان نمود: برای رسیدن به نقطه واقعی که «بهبود مستمر» محسوب می‌شود، مستلزم حذف موانع موجود در فرآیندهای کاری است؛ چراکه سازمان‌های موفق با نوآوری و ارتقا سطح ارائه خدمات، یعنی کارکرد نوآوری در سازمان می‌توانند فضایی با انگیزه و خلاقی را برای کارکنان ایجاد کنند.

وی، استراتژی یک سازمان را به «یک فیل عظیم جسه» تشبیه کرد که برای حرکت در آوردن آن نیازمند به یاران تغییر است.

رئیس هیات مدیره سازمان منطقه آزاد کیش بیان داشت: ایجاد تحول درون‌سازمانی نیازمند شناسایی یاران تغییر در راستای اثربخشی بالای جایگاه سازمانی است.

سرهنگی، در تکمیل سخنان خود، گفت: هیچ سازمانی در سطح دنیا با یک مدیرعامل سوپرمن به موفقیت دست نمی‌یابد؛ بلکه این مهم با مشارکت جمعی سرمایه‌های فکری سازمان‌ها امکان‌پذیر است.

وی اظهار کرد: اکثر کارکنان در سازمان محل امن ذهنی که برای خود ایجاد کردند، حاضر به تغییر نیستند و تمایلی برای خارج شدن از محل امن و حرکت به سمت یادگیری نیستند و با محدود شدن به کارهای روزمره، در چارچوب مشخصی می‌مانند.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش کرد: فرهنگ در خون و در داخل خانه است و فرزندی که با این فرهنگ بزرگ می‌شود و پدری که احساس مفید بودن و انگیزه‌ای برای ایجاد خلاقیت در حوزه کاری خود ندارد، به طور حتم در فرزندان خود نیز تاثیرگذار خواهد بود.

سرهنگی گفت: با توجه به این‌که جزیره کیش دارای ذی‌نفعان زیادی است؛ باید از ظرفیت همه ذی‌نفعان استفاده شود و با یک منافع واحد و مورد تایید همه حرکت کرد.

وی افزود: در جامعه‌ای که مشاکت جمعی حکمفرماست، بیانگر تحقق حکمرانی مطلوب آن منطقه است که از سطح رضایتمندی و اعتماد شهروندی، سرمایه‌گذاران و کیشوندان برخوردار می‌باشد.

رئیس هیات مدیره سازمان منطقه آزاد کیش با بیان این‌که از پیشینه سازمان باید درس یاد بگیریم و در راستای بهبود آن گام‌های موثری برداریم، اظهار داشت: این اتفاق زمانی تحقق می‌یابد که تاریخچه سازمان به‌درستی به مسئول بعدی انتقال داده شود.

سرهنگی در ادامه، با تاکید بر این که تاریخچه سازمانی و یا فرهنگ سازمان مانند ریشه پنهان نمایانگر رفتارهای کارکنان در طول سال‌ها گذشته است، گفت: این فرهنگ تشبیه به گل‌های نیلوفرهای آبی است که ریشه در آبی دارد که مواد معدنی در داخل آب تزریق می‌شود و این همان اتفاقی است که در داخل سازمان رخ می‌دهد.

به گفته وی؛ هر تصمیمی که در حکمرانی خوب گرفته می‌شود، باید منافع عمومی دیده شود تا تصمیم پایداری داشته باشیم؛ درواقع حکمرانی خوب مثل نگه داشتن قوی بلورینی است روی صفحه‌ای که به طناب‌هایی بسته شده که تمام ذی‌نفعان آن را نگه داشتند هر کدام از فعالان اقتصادی حوزه‌های مختلف آن را به سمت خود بکشد سبب شکستن آن می‌شود و جامعه پایدار نخواهد بود.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در پایان، تحقق حکمرانی خوب محلی را مستلزم اجرای شفافیت و قانون مداری ذی‌نفعان معرفی و خاطرنشان کرد: باید کاملا فرآیندها شفاف باشد و مهم‌ترین اصل در حکمرانی خوب، جلب اعتماد است و دیگر ذی‌نفعان هم به‌دنبال نفع خود نیستند.

مدیرعامل شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه‌های کیش اعلام کرد:

برقراری پرواز سلیمانیه به جزیره کیش و بالعکس در آینده‌ای نزدیک

مدیرعامل شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه‌های کیش از برقرای پرواز سلیمانیه به کیش ظرف دوماه آینده خبر داد و آن را امری مهم برای آشنایی هر چه بیشتر با ظرفیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری جزیره کیش عنوان کرد.

عزت‌اله محمدی در حاشیه برگزاری نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع‌دستی سلیمانیه اقلیم کردستان عراق با اشاره به جلسات متعدد سازمان منطقه آزاد کیش با تاپ‌تورهای شهر سلیمانیه و اربیل گفت: در راستای آشنایی هر چه بیشتر شرکت‌کنندگان در این نمایشگاه، تمام ظرفیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری گردشگری کیش معرفی شده‌است.

وی با بیان این‌که در بازدید استاندار سلیمانیه از غرفه سازمان منطقه آزاد کیش، فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری و سایر حوزه‌های کیش ارائه شد افزود: جلسه‌ای با نماینده ویژه هواپیمایی ماهان برگزار و هماهنگی‌های لازم برای برقراری پرواز سلیمانیه به جزیره کیش و بالعکس تا دوماه آینده انجام شد.

محمدی اظهار داشت: با توجه به برگزاری جلسات و هماهنگی‌های لازم با تاپ‌تورهای سلیمانیه و اربیل اقلیم کردستان عراق، پس از بازگشت به کیش جلساتی نیز با آژانس‌های گردشگری جزیره در این خصوص برگزار خواهد گردید.

مدیرعامل شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه‌های کیش در پایان، به استقبال گسترده و بی‌نظیر شرکت‌کنندگان به‌ویژه آژانس‌های هواپیمایی از غرفه سازمان منطقه آزاد کیش در این نمایشگاه اشاره و خاطرنشان کرد: با توجه به علاقه‌مندی شرکت‌کنندگان برای آشنایی با جاذبه‌های متنوع گردشگری کیش، نسبت به برقراری پروازها در آینده‌ای نزدیک برای معرفی هرچه بیشتر ظرفیت‌های کیش به اقلیم کردستان اقدامات لازم انجام خواهد شد.

با هدف آشنایی و بررسی مشکلات فعالان اقتصادی بخش‌خصوصی کیش انجام شد:

دیدار مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با فعالان اقتصادی بخش‌خصوصی

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، به منظور آشنایی و بررسی مشکلات فعالان اقتصادی بخش‌خصوصی، به دیدار آنان رفت.

رحیم سرهنگی به همراه جمعی از مدیران سازمان منطقه آزاد کیش، از سه شرکت پارس غزال کیش، صنایع‌دستی کیش هنر و صنعت آداک و کاویان ذوب ایثارگران واقع در فاز۶ صنعتی کیش بازدید کرد و با برخی از صنعتگران درخصوص راهکارهای لازم جهت رفع مشکلات آنان گفت‌وگو نمود.

همچنین مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در بازدید از کاریز، ضمن آشنایی با روند سرمایه‌گذاری در این مکان، درخصوص درخواست سرمایه‌گذار کاریز، دستورات لازم را جهت بررسی و طرح در کمیسیون‌های مربوطه صادر کرد.

پروژه مسکونی ستاره کیش، مقصد بعدی بازدید رحیم سرهنگی و هیات همراه بود. سرمایه‌گذار این طرح مسکونی-خدماتی واقع در شهرک صدف، شرکت سرمایه‌گذاری مسکن جنوب است که در شهریور۱۴۰۲ مجتمع مسکونی آبان را با ۸۴واحد به بهره‌برداری می‌رساند. از آنجایی که پیش از بهره‌برداری از این مجتمع مسکونی، دریافت پایانکار الزامی و منوط به رعایت برخی ضوابط و احراز شرایط می‌باشد؛ از این‌رو مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش دستورات لازم را جهت تسریع در امور و در چارچوب قوانین و مقررات صادر نمود.

مجتمع مسکونی پرشین ساحلی نیز آخرین مکان بازدید رحیم سرهنگی بود که یکی از بلوک‌های این مجتمع فاقد پایانکار و به نوبه آن سند است.

از آنجایی که بسیاری از این واحدها پیش‌فروش شده است و ساکنان این مجتمع دغدغه دریافت سند مالکیت را دارند؛ از این‌رو رحیم سرهنگی رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش جهت رفع دغدغه آنان، دستور بررسی این مهم را در اسرع‌وقت و مطابق با ضوابط و مقررات شهرسازی صادر کرد.

مدیر توسعه گردشگری سازمان منطقه آزاد کیش اظهار کرد:

آشنایی اقلیم کردستان عراق با ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری جزیره کیش

مدیر توسعه گردشگری سازمان منطقه آزاد کیش گفت: استاندار سلیمانیه و وزیر گردشگری اقلیم کردستان عراق در بازدید از غرفه سازمان منطقه آزاد کیش در نمایشگاه گردشگری و صنایع‌دستی سلیمانیه، با ظرفیت‌های سرمایه گذاری این منطقه آشنا شدند.

ناصر قاسمی‌نیا، ضمن تشریح برگزاری این نمایشگاه افزود: در این رویداد بین‌المللی، یک نشست خبری به دعوت ایران با حضور تمام مجامع و افراد فعال در بخش‌های مختلف سلیمانیه، اقلیم کردستان و خبرگزاری‌ها همراه با سخنرانی دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برگزار شد.

وی ادامه داد: در این نمایشگاه، هر منطقه پنل‌های تخصصی ویژه خود را برای مذاکره، معرفی فرصت‌ها و توسعه روابط به صورت جداگانه با جوامع برگزار کردند که در صورت توافقات منجر به امضا تفاهم‌نامه شد.

مدیر توسعه گردشگری سازمان منطقه آزاد کیش در ادامه از برپایی نشستی با حضور وزیر گردشگری اقلیم کردستان، سلیمانه و اربیل عراق در راستای معرفی ظرفیت‌های مختلف منطقه آزاد کیش به‌ویژه حوزه گردشگری خبر داد و گفت: در بازدید مسئولان سلیمانیه و اقلیم کردستان از غرفه کیش، بسته‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری این منطقه آزاد رونمایی گردید.

قاسمی‌نیا تصریح کرد: طی برگزاری نمایشگاه بین‌المللی سلیمانیه عراق، برپایی جلساتی درخصوص توسعه گردشگری و تبادل گردشگر با آژانس‌ها و انجمن های صنفی سلیمانیه و اربیل نیز برنامه‌ریزی شده بود.

مدیر توسعه گردشگری سازمان منطقه آزاد کیش در پایان با اشاره به حضور عزت‌اله محمدی مدیرعامل شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه‌های کیش در این نمایشگاه خاطرنشان کرد: با توجه به استقبال مردم اقلیم کردستان از ظرفیت‌های موجود در کیش، مذاکراتی درخصوص برقراری پرواز مستقیم کیش به سلیمانیه یا اربیل با دفاتر خدمات مسافرتی و ایرلاین‌های این منطقه انجام شد.

واکاوی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مناطق آزاد ساحلی کشور برای گسترش اقتصاد دریا و ترانزیت بین‌المللی:

وجوب شکل‌گیری منطقه آزاد تخصصی صنایع دریایی جهت تحقق توسعه اقتصاد دریامحور

گزارش:
مهرناز عالمی

با عنایت به ظرفیت‌ها و مزیت‌های بی‌بدیل و منحصربه‌فردی که مناطق آزاد به‌واسطه وجود سواحل و چسبندگی اغلب این مناطق همچون قشم، کیش، اروند، چابهار و انزلی به دریا دارند، دارای پتانسیلی قدرتمند در رابطه با استفاده حداکثری از ایجاد چرخه اقتصاد دریامحور در کشور می‌باشند.

امروزه ترانزیت دریایی در جهان با سرعت بالایی روبه رشد است و حجم قابل‌توجهی از سرمایه‌های بخش خصوصی در حمل‌ونقل دریایی در قالب سرمایه‌گذاری زیربنایی در راستای تجهیز و ساخت بنادر، توسعه ناوگان، شیپی‌یاردها، کشتی‌سازی‌ها، تاسیسات و تجهیزات دریایی، ادوات دریایی و نیازهای دیگر هزینه می‌شود و این هزینه‌کرد بخش خصوصی در توسعه بنادر، بازگشت سرمایه مناسبی دارد؛ به همین سبب این حوزه بخش عمده‌ای از سرمایه‌های دنیا را درگیر خود کرده است و نقش چشمگیری در اقتصاد بین‌الملل ایفا می‌کند.

ایران با دارا بودن ۵۸۰۰کیلومتر نوار ساحلی و سهم بزرگ مناطق آزاد از این میزان ساحل، کشور دریایی بزرگی محسوب می‌شود که باید از مزیت‌های آن در راستای ارزآوری بهره‌برداری نمود؛ ظرفیت‌هایی نظیر جذب خطوط بزرگ کشتیرانی دنیا، سرعت بخشیدن به توسعه بندر اقیانوسی چابهار در مقابل رشد روزافزون رقبای منطقه‌ای و رشد صنایع کشتی‌سازی و... که همه اینها مصادیق عدم‌تکیه بر اقتصاد نفتی و تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است.

توسعه دریامحور برابر با رشد همه‌جانبه کشور

پیش از پرداختن به موضوع توسعه دریامحور، لازم است تعریفی از توسعه ارائه شود. به‌طور خلاصه در یک جمله توسعه را می‌توان رشد همه‌جانبه دانست. به عبارت دیگر نمی‌توان در بخش صنعت رشد داشته باشیم، اما در بخش کشاورزی از کشورهای توسعه یافته، عقب مانده باشیم، یا در بانکداری به رشد قابل‌توجه برسیم، ولی در صنعت بیمه از سایر کشورها عقب‌تر باشیم؛ لذا کشوری توسعه یافته است که در همه بخش‌های صنعتی، خدماتی، کشاورزی و... به رشد قابل قبولی دست یافته باشد.

حال این سوال مطرح است که عوامل توسعه یافتگی کشورها کدام است؟ در یک تقسیم‌بندی کلی برای رسیدن به توسعه، هم باید منابع انسانی و هم منابع مادی و در نهایت مدیریت به‌کارگیری منابع مادی و انسانی در اختیار باشد. البته داشتن منابع طبیعی یا قرار داشتن در موقعیت جغرافیایی خاص و یا واقع شدن کشوری در کنار دریاها، یک مزیت نسبی است. اما این بدان مفهوم نیست که هر کشوری دارای منابع طبیعی یا در کنار دریا بود، پس توسعه یافته است!

امروز بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی حتی آمریکای لاتین در کنار دریا هستند، اما به معنی واقعی توسعه یافته نیستند؛ چراکه نتوانسته‌اند از مزیت نسبی خود استفاده کنند. از سوی دیگر همه کشورهایی که تقریبا توسعه یافته‌ترین کشورهای دنیا هستند، در کنار دریا قرار دارند؛ لذا در کنار دریا بودن شرط لازم توسعه یافتگی به عنوان یک مزیت است، ولی شرط کافی نیست.

نکته دیگر اینکه مزیت قرار گرفتن در کنار دریاها به دلیل ارزان بودن هزینه‌های حمل‌ونقل کالاهای وارداتی و صادراتی، بهتر از محصور شدن در خشکی است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین موانع توسعه دریامحور، عدم ایجاد زیرساخت‌های مناسب در کنار دریاها باشد. درحالی که در تاریخ ایران در موضوع تجارت، راه ابریشم وجود دارد و طی حداقل دودهه گذشته کریدور شمال-جنوب مطرح است، ولی هنوز زیرساخت‌های لازم فراهم نشده است. منظور از زیرساخت‌ها، هم سخت‌افزاری و هم نرم‌افزاری است. تا زمانی که این دو تکمیل نشود، استفاده از مزیت دریا ابتر می‌ماند و نکته مهم اینکه هنوز مسئولین کشور به دلیل وجود درآمدهای نفتی، به باور درآمدزا بودن توسعه دریامحور نرسیده‌اند.

همان طور که در تعریف توسعه نیز گفته شد، توسعه «چندوجهی» است. زمانی توسعه کاملا محقق می‌شود که همه ابعاد آن به منصه‌ظهور برسد. البته در کنار مسائل اقتصادی مناطق دریایی کشور، مسائل سیاسی و اجتماعی آن مناطق نیز باید متناسب با مفهوم توسعه متحول شود. بدیهی است که در راستای توسعه دریامحور، دولت باید از انجام هر کاری که امکان دارد مردم و بخش خصوصی انجام دهند، پرهیز نماید.

دولت برای تسریع در توسعه مناطق دریایی باید صرفا مسئول اعمال حاکمیت و امنیت باشد و امور حمل‌ونقل دریایی را باید به مردم و بخش خصوصی واگذار کند. شاید حضور موفق بخش خصوصی در بنادر دوبی، تجربه خوبی برای بنادر ایران باشد.

به همین منظور پیشنهاداتی که در راستای توسعه دریامحور ارائه می‌شود، به شرح زیر است:

◆ نخست اینکه وجود دریا در شمال و جنوب، توسط دولت به عنوان یک مزیت جدی دیده شود و از این مزیت نه تنها برای ترانزیت شمال و جنوب، بلکه برای توسعه پایدار استان‌های ساحلی، استراتژی بلندمدت تدوین گردد.

◆ دوم اینکه مدیریت باید در بخش حمل‌ونقل دریایی متمرکز شود و ارتقا یابد و از گروه‌های صنعتی فعال در بخش دریا برای سیاستگذاری کمک گرفته شود و در نهایت موانع عدم سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی در بخش دریایی مرتفع شود.

◆ سوم اینکه باید به ظرفیت‌های مناطق آزاد کشور توجه ویژه شود؛ وجود بنادری همچون بندر چابهار در یکی از استراتژیک‌ترین و حساس‌ترین نقاط کشور و منطقه، می‌تواند تحول عظیمی را در توسعه و رونق دریایی ایجاد کند. همچنین مناطق آزاد قشم و کیش با عنایت به موقعیت قرارگیری‌شان در خلیج‌فارس و همین طور مجتمع بندری کاسپین در منطقه آزاد انزلی به عنوان یک بندر نسل سوم با پسکرانه‌ای عظیم، می‌توانند نقش بسزایی در توسعه این بخش داشته باشند.

شایان ذکر است، یکی از عمده‌ترین موانع سرمایه‌گذاری در بخش دریایی، نظام بانکی ناکارآمد و پرهزینه کشور است که لازم است برای رفع این معضل، فکر و تصمیم اساسی اتخاذ کرد.

بی‌تردید کلید حل مشکلات بخش دریایی کشور، در به‌کارگیری نیروهای کارآمد، متخصص و باتجربه در بخش مذکور است و نباید اشتباهات گذشته دوباره تکرار شود و اگر چنین شود، امیدها به جای امیدوارتر، ناامید می‌گردد.

مناطق آزاد و ایفای نقش موثر در توسعه اقتصاد دریاپایه

ترانزیت دریایی نقش بسیار مهم و اساسی در جابه‌جایی کالا در سراسر دنیا دارد؛ به‌طوری که ۹۰درصد کالاهای تجاری جهانی از طریق دریا حمل می‌شود و این سیستم نقش بی‌بدیلی در اقتصاد جهانی و حتی کشور ما دارد.

در ایران نیز حمل‌ونقل دریایی نقش موثری در توسعه کشور دارد؛ کشور ما از موقعیت ممتاز جغرافیایی، سیاسی و ژئوپلیتیکی در خاورمیانه برخوردار است. دسترسی به دریا و آبی بودن یک‌سوم مرزهای کشور، ایران را در زمره کشورهای دریایی قرار داده است. ۹۰درصد صادرات و واردات کشور از طریق دریا انجام می‌شود؛ باتوجه به نقش اساسی که مرزهای آبی و بنادر در صادرات و واردات دارند، باید عنایت خاصی برای پاسخگویی به نیازهای توسعه کشور در این بخش انجام شود.

بی‌شک مناطق آزاد ایران با وجود ظرفیت‌هایی که در حوزه‌های کلان اقتصادی ازجمله بازرگانی و تولید دارند، می‌توانند با برنامه‌ریزی درست و طراحی اهداف بلندمدت، با جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی و ایجاد زیرساخت‌ها در راستای فعال‌سازی کریدور شمال-جنوب در همکاری با کشورهای هدف، نقش بسیار موثری در حوزه اقتصاد دریامحور، هم در اقتصاد ملی و هم در حوزه اقتصاد منطقه‌ای خود ایفا کنند.

مساحت آب‌های ملی ایران ۱۹۰هزار کیلومترمربع است، اما با این حال در برخی شرایط در تعیین مساحت کشور، این مساحت آب‌ها را جزء مساحت کشور قلمداد نمی‌کنیم؛ به هر حال یک‌سوم طول مرزی آبی کشور، برای ایران مزیتی ایجاد کرده است که باید از آن استفاده مناسب به عمل آید.

هم‌اکنون در حدود ۲۰۰بندر کوچک و بزرگ تجاری، صیادی، صنعتی، نفتی و غیره در کشور وجود دارد که از این تعداد بنادر کوچک و بزرگ، ۱۱بندر عمده تجاری داریم که ۸بندر آن در جنوب و ۳بندر آن در شمال کشور است و تنها بخشی از این بنادر فعال هستند و مابقی پتانسیل بالقوه برای ایجاد ظرفیت‌های جدید صنایع اعم از صنایع شیلاتی، کشتی‌سازی، ساحلی و فراساحلی را دارا می‌باشند.

توسعه سواحل و بنادر در راستای تحقق اقتصاد دریامحور

درحال حاضر طول سواحل ایران براساس مطالعات مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور که توسط سازمان بنادر و دریانوردی و ۱۸ارگان موثر در بهره‌برداری سواحل و دریاها به‌دست آمده است، با مقیاس یک‌بیست‌وپنج هزارم برابر با ۵۸۰۰کیلومتر است؛ چنانچه طول این سواحل در عرض حدود ۱۰کیلومتری ضرب شود، مساحت نوار ساحلی با عرض ۱۰کیلومتر حدود ۵۸هزار کیلومترمربع است که این میزان، پتانسیل منحصربه‌فرد خدادادی می‌باشد و باید از آن به بهترین نحو درجهت ارزآوری برای کشور استفاده نمود. این ظرفیت‌ها، اصلی‌ترین قابلیت برای کسب درآمد از محل‌هایی غیر از درآمدهای نفتی است. ۵۸هزار کیلومترمربع اراضی ساحلی، رقمی بزرگ و پتانسیل عظیمی برای یک کشور محسوب می‌شود و قطعا چنین ظرفیتی آرزوی بسیاری از کشورها می‌باشد؛ اما متاسفانه میزان استفاده از این ظرفیت در ایران بسیار ناچیز است.

ظرفیت‌سازی در جنوب کشور بالاخص در مناطق آزاد چابهار، کیش، قشم و اروند و اتصال آن به زیرساخت عظیم ایجاده شده مجتمع بندری کاسپین منطقه آزاد انزلی در شمال کشور، می‌تواند نقطه مجهول رونق اقتصاد ترانزیت در کشور با محوریت حمل‌ونقل دریایی و خشکی باشد که نقش عظیمی در اقتصاد ملی کشور با محوریت ترانزیت خواهد داشت.

بی‌شک تسریع در ایجاد زیرساخت‌های درحال انجام در مناطق آزاد در شمال و جنوب کشور با نگاهی کلان به دسترسی به بازار مصرف بزرگ کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا، کشورهای سی‌آی‌اس و اوراسیا، می‌تواند در به سرانجام رساندن طرح خودکفایی بدون نگاه به نفت در کشور مثمرثمر باشد.

متاسفانه طی این سال‌ها به دلیل اتکا به درآمدهای نفتی، غالبا تمام توجه دولت‌ها به داخل کشور و خشکی بوده و سیاست کلان در حیطه خشکی‌محوری خلاصه شده است.

اما باید تصریح نمود که توسعه اراضی بندری می‌بایست با مشوق‌های مناسب صورت پذیرد؛ ضروری است سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را در بنادر جذب کرده تا با بسط و رونق سواحل و بنادر، توسعه اقتصاد دریامحور در کشورمان عملیاتی شود؛ موضوعی که نمونه‌های بارز و مشهود آن را در مناطق آزاد به خوبی مشاهده می‌کنیم؛ مشارکت بخش خصوصی داخلی در ایجاد مجتمع بندری کاسپین در منطقه آزاد انزلی و همچنین توسعه بندر چابهار با سرمایه‌گذاری طرف‌های هندی در منطقه آزاد چابهار؛ که این موارد می‌تواند به عنوان پایلوت‌های توسعه بخش اقتصادی با تکیه بر توان دریا بسیار موثر و سازنده باشد.

همچنین با نگاهی تخصصی‌تر می‌توانیم ایجاد پسکرانه‌های وسیع دیده شده در این دو بندر را در جهت کاهش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل با تشویق سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان در این بسترها و دسترسی سریع‌تر به کشورها و بازارهای هدف با یک برنامه‌ریزی بلندمدت ایجاد نماییم و سهم اقتصادی خود را از بازارهای کشورهای همسایه که در سال‌های گذشته به دلیل عدم برنامه‌ریزی درست، از دست داده‌ایم، مجددا کسب نماییم.

مناطق آزاد، پایلوت توسعه اقتصاد دریامحور در ایران

همان‌طور که گفته شد، به دلیل سیاست‌های خشکی‌محور دولت‌ها، مردم ساحل‌نشین از نظر نیازهای اولیه زندگی با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند؛ بنابراین اغلب آنان سواحل را ترک کرده و به سوی مرکز و سرزمین اصلی مهاجرت کرده‌اند، درحالی که باید با توسعه و رونق‌زایی در بنادر، به منطقه خود بازگردانده شوند (مهاجرت معکوس)، که در اینجا باز هم باید نمونه‌های بسیار مثبت و تاثیرگذار مناطق آزاد کشور در جهت توانمندسازی مردمان بومی این مناطق که طی چند سال اخیر با رونق اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌های کلان در این مناطق به وجود آمده را به عنوان پایلوت بررسی کرد و از این تجربیات در راستای ایجاد اشتغال با محوریت اقتصاد دریامحور برای مردمان ساحل‌نشین کشور بهره برد.

توسعه فعالیت‌های بندری در بخش تخلیه و بارگیری، جذب شرکت‌های بزرگ کشتیرانی در بنادر خلیج‌فارس، امکان تخلیه و بارگیری کشتی‌های نسل سوم و رونق گردشگری دریایی، از ظرفیت‌هایی است که در بخش طرح جامع توسعه بنادر بر آن تاکید شده است و به دلیل موقعیت مناسب جغرافیایی ایران در منطقه، با اولویت درحال پیگیری است؛ چراکه این مهم نیز از قابلیت ارزآوری بالایی برخوردار است.

مسلما یکی از ظرفیت‌های عظیم و بالقوه دریایی کشور، بندر اقیانوسی چابهار است؛ این بندر در حاشیه دریای عمان و اقیانوس هند درحال توسعه است و با تکمیل فازهای توسعه‌ای این بندر، امکان پهلوگیری کشتی‌های بزرگ با آبخور بالا فراهم می‌شود.

بندر چابهار، شامل دو بندر شهید بهشتی و شهید کلانتری می‌شود؛ عملیات اصلی طرح توسعه در بندر شهید بهشتی درحال انجام است و در آینده نزدیک با اتصال این بندر به شبکه ریلی کشور، اهمیت ویژه‌ای در ترانزیت کالا خواهد یافت و با عنایت به الحاق این دو بندر استراتژیک به منطقه آزاد چابهار و بهره بردن از مزیت‌های قانونی مناطق آزاد، شاهد تاثیر اقتصادی این بنادر بر اقتصاد کلان ملی و فراملی کشور خواهیم بود.

موقعیت ویژه جغرافیایی بندر چابهار از نظر اتصال به اقیانوس و دسترسی به آب‌های آزاد، ترانزیتی بودن این بندر و استقرار آن خارج از تنگه هرمز، جملگی از مزیت‌هایی است که موجب شد طرح توسعه این بندر در دستورکار قرار گیرد.

از سوی دیگر کشورهای منطقه خصوصا افغانستان، هندوستان، چین و کشورهای CIS تمایل بسیاری دارند تا در طرح توسعه این بندر مشارکت داشته باشند که در صورت اتصال ریلی چابهار-زاهدان-مشهد-سرخس از موقعیتی مناسب برای ترانزیت کالا فراهم می‌شود و قطعا در این عرصه، بیشترین درآمد ارزی برای ایران اخذ خواهد شد.

ظرفیت بزرگ دیگری که در بخش دریایی برای درآمدزایی مناسب ارزی و غیرنفتی کشور وجود دارد، صنایع کشتی‌سازی و ساخت سکوهای نفتی است. این قابلیت و پتانسیل بزرگی است که باید موردتوجه قرار گیرد. در همین راستا، منطقه آزاد قشم مزیت‌های بسیار چشمگیری در حوزه کشتی‌سازی و حضور شرکت‌های مختلف در این امر دارد که با عنایت و حمایت بیشتر از این مجموعه‌ها، می‌توان شاهد رشد اقتصادی کشور با محوریت این صنعت باشیم.

ضرورت حمایت و توجه مضاعف به صنایع دریایی در ایران

صنایع دریایی، شاخه‌ای از صنایع هستند که به فرآوری و تولید ناوهای گوناگون و تمامی ابزار و نیازمندی‌های پیونددار با ناو، ناوبری، دریانوردی، شناور، سکوهای نفتی و خدمات بندری می‌پردازند.

تحقق توسعه پایدار در بخش صنایع دریایی، تبیین، تنظیم و اعمال انواع حمایت از صنایع دریایی در حوزه‌های مختلف این صنعت همچون ساخت، تعمیر، توسعه زنجیره تامین و همچنین حوزه خدمات و تسهیل‌گری در رفع مشکلات و عوامل بازدارنده توسعه صنایع دریایی، از دستاوردهای توجه به این بخش است.

ایران بزرگترین کشتی‌سازی و شیپی‌یاردها را در منطقه دارا می‌باشد که برخی کشورها به آن غبطه می‌خورند و به اذعان همان کشورها، غول کشتی‌سازی هستیم؛ اما این ظرفیت‌ها بلااستفاده مانده‌اند. بی‌شک وجود رشد چنین ظرفیتی در کشور و دریافت سفارش از کشورهای منطقه، ارزآوری مناسبی را به همراه خواهد داشت؛ البته در این باره همکاری بانک‌ها و اعتماد آنها به این صنعت، امری ضروری است؛ چراکه صحیح‌ترین راهکار برای توسعه صنایع دریایی و حمایت از آنها، ارائه تسهیلات ارزان‌قیمت و حمایت بانک‌ها است.

در همه نقاط دنیا، بانک‌ها از صنایع کشور متبوع خود حمایت می‌کنند؛ این مورد در هواپیماسازی نیز مصداق دارد؛ در این صنعت، بانک‌ها صنایع خود را پشتیبانی می‌کنند، تسهیلات ارزان‌قیمت ارائه می‌دهند، سپس خریدار و فروشنده این پول را به صورت اقساطی پرداخت می‌کنند.

در جهان، برخی از بانک‌ها صرفا به کشتی‌سازها تسهیلات می‌دهند؛ برخی فقط به خرید هواپیما تسهیلات می‌دهند؛ بنابراین در ایران نیز باید صنایع این‌گونه فعال باشد؛ می‌بایست متناسب با صنایع دریایی، کمک‌ها و حمایت ویژه از صنعت صورت پذیرد و تسهیلات ارزان‌قیمت به این صنایع اختصاص داده شود.

صنعت کشتی‌سازی، شهری پشتیبان خواهد داشت، بنابراین اگر بانک تسهیلات ارزان‌قیمت به این صنعت اختصاص دهد، سودی که عاید کشور می‌شود، به مراتب بالاتر از سودی است که یک بانک در ارائه تسهیلات به یک کشتی‌ساز می‌دهد.

ارزش افزوده‌ای که صنایعی همچون کشتی‌سازی، صنایع دریایی و فراساحلی در کشور ایجاد می‌کند، بسیار بالا است، نقش‌آفرینی صنایع دریایی در اشتغال‌آفرینی و محرومیت‌زدایی، تثبیت و پایداری اقتصاد در کنار ارزآوری مطلوب، کاملا در جهان پذیرفته شده است.

در نتیجه ضرورت دارد مسائل و موضوعات این صنعت به صورت کلان موردتوجه قرار گیرد؛ چراکه از این طریق سرمایه‌گذاری در کشور توسعه می‌یابد. متاسفانه کشتی‌سازهای بزرگی در ایران وجود دارد که به هیچ‌وجه تحت حمایت نیستند، بانک‌ها هم به آنها تسهیلات نمی‌دهند و نیروی جوان و متخصص و تحصیلکرده آنان به هدر می‌رود.

ایجاد منطقه آزاد تخصصی صنایع دریایی با محوریت توسعه صنعت کشتی‌سازی

هنگامی که کشتی‌سازی توسعه می‌یابد، کشورهای دیگر متقاضی ساخت کشتی می‌شوند و سفارش می‌دهند و برای کشور درآمد جدید ایجاد می‌شود که این همان درآمدهای غیرنفتی است؛ کره جنوبی و چین از همین طریق درآمدهای مناسبی کسب می‌کنند. سهم چین در صنایع دریایی ساحلی و فراساحلی بسیار بالا است و همگی از معافیت‌های مالیاتی بهره می‌برند؛ آنها مناطق آزاد بزرگ ایجاد کرده‌اند و سرمایه‌گذاری می‌کنند و بخش عظیمی از سرمایه‌های دنیا را به سمت خود سوق داده‌اند؛ شاید ما نیز باید با توجه به هدفگذاری‌های تخصصی که برای مناطق آزاد کشورمان داریم، حوزه تخصصی منطقه آزاد کشتی‌سازی را نیز با محوریت توسعه این صنعت عظیم، در دل یکی از مناطق آزاد جنوبی کشور ایجاد کنیم و با حمایت از فعالین این بخش در کشور و حتی منطقه، بتوانیم با توجه به ظرفیت‌های مناطق آزاد، تکنولوژی مدرن و روز دنیا را در این عرصه وارد این مناطق و بالطبع به سرزمین اصلی تسری دهیم.

فعالیت‌های دریایی ازجمله کارهای بین‌المللی است؛ توسعه حمل‌ونقل دریایی موجب گسترش فعالیت بین‌المللی می‌شود؛ صادرات خدمات فنی-مهندسی در توسعه صنایع دریایی نیز فعالیت بین‌المللی محسوب می‌گردد؛ بنابراین صنایع و فعالیت دریایی باید از معافیت مالیاتی برخوردار باشند؛ قطعا معافیت مالیاتی این صنعت، موجب توسعه رشد سرمایه‌گذاری در این بخش می‌شود.

با عنایت به قانون معافیت مالیاتی در مناطق آزاد، بهترین بستر برای این صنعت در کشور، مناطق آزاد تجاری-صنعتی است که با توجه به زیرساخت‌های موجود، این امکان برای مناطق آزاد تا حدود بسیار زیادی به نسبت مابقی مناطق ایران (سرزمین اصلی) مهیا است و می‌طلبد که مسئولین محترم دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با بررسی و تعامل با سازمان‌های مربوطه، طرح ایجاد این منطقه را به دولت ارائه دهند.

وقتی در منطقه آزاد تجاری-صنعتی، ۲۰سال معافیت مالیاتی بابت هرگونه فعالیت سرمایه‌گذاری مصوب می‌گردد، سرمایه‌های زیادی جذب خواهد شد؛ مناطقی که صنایع دریایی و کشتی‌سازی در آنجا اجرا می‌گردد، مناطق ویژه و مناطق آزاد هستند؛ بنابراین به‌راحتی از معافیت مالیاتی برخوردار می‌شوند و این اتفاق موجب افزایش سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود.

البته معافیت مالیاتی در اینجا منجر به کاهش درآمد کشور نمی‌گردد، بلکه ظرفیت افزایش درآمدها فراهم می‌شود؛ چراکه این کار، در حقیقت صدور خدمات فنی-مهندسی به دنیا است و چیزی از درآمد کشور کسر نمی‌شود.

به هر حال با وجود ظرفیت‌های دریایی کشور و موقعیت مناسب جغرافیایی ما در منطقه و وجود مناطق آزاد تجاری-صنعتی متعدد در حاشیه آب‌های خلیج‌فارس، دریای عمان، دریای خزر و حتی اقیانوس هند، امکان درآمدزایی مناسب ارزی فراهم است؛ ظرفیتی که بسیاری از کشورها از آن بی‌بهره هستند، اما ما به دلیل دارا بودن مقدار بالایی از این ظرفیت‌ها، آن را مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار داده‌ایم.

کشورهای حاشیه خلیج‌فارس از چند کیلومتر ساحل محدود خود بهره‌وری و درآمدزایی چشمگیری کرده‌اند و در دو بخش گردشگری و تجاری با همین ظرفیت محدود سواحل، بسیاری از خطوط کشتیرانی دنیا را جذب نموده‌اند و یکی از پایه‌های اصلی درآمدهای خود را بر این امر استوار کرده‌اند؛ اقدامی که ما با هزاران کیلومتر ساحل نتوانسته‌ایم انجام دهیم! اما امید است با تعامل و حمایت مسئولان، گام‌های اولین را برای توسعه دریامحور برداریم.

بی‌تردید ظرفیت بزرگی که در حوزه اقتصاد ملی و بین‌المللی با توجه به مزیت‌های ذاتی مناطق آزاد کشورمان داریم، می‌تواند در کنار بررسی تجربه کشورهای صاحب صنعت در این عرصه همچون چین و کره جنوبی که اقتصاد دریامحور را به سمت مناطق آزاد خود سوق داده‌اند، با یک برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت با بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه این مناطق، شاهد شکوفایی و تاثیرگذاری بین‌المللی در این عرصه با محوریت مناطق آزاد در حوزه صنعت دریانوردی، ترانزیت، گردشگری دریایی و ایجاد ظرفیت تولید در پسکرانه‌های بنادر در آینده نزدیک با عنایت و حمایت ویژه مسئولین و تصمیم‌سازان کشور باشیم.

در نشست گسترش همکاری اقتصادی و گردشگری ایران و اقلیم کردستان مطرح شد:

مناطق آزاد؛ توسعه دهنده مراودات تجاری میان ایران و اقلیم کردستان عراق

در نشست گسترش همکاری اقتصادی و گردشگری ایران و اقلیم کردستان عراق که با حضور مشاور رئیس جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ایران و مقامات استان‌های اربیل و سلیمانیه عراق برگزار گردید، بهشت سرمایه‌گذاری ایران تشریح شد.

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در این نشست با تبیین فرصت‌ها و مزایای سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد هفتگانه ایران گفت: ایران سرزمین ناشناخته سرمایه‌گذاری و تولید در دنیا است؛ چراکه هزینه تولید، نیروی انسانی، انرژی، زمین، مواد اولیه و به طور کلی هزینه تولید در اقتصاد ایران پایین و برای فعالان اقتصادی خارجی پرسود می‌باشد.

حجت‌الله عبدالملکی زیرساخت‌های ایران در تولید را مطلوب دانست و اظهار کرد: مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ایران دارای مزایای قانونی ویژه‌ای ازجمله معافیت‌های مالیاتی، معافیت‌های گمرکی و تسهیل امور اداری هستند؛ بنابراین مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، بهشت‌های سرمایه‌گذاری می‌باشند.

همچنین، «شیخ نوزاد شیخ کمال» مدیرکل بازرگانی اقلیم کردستان نیز با اشاره به هماهنگی و توسعه همکاری با ایران، بر لزوم ایجاد دفاتر بازرگانی در مرزهای مشترک ایران و اقلیم به منظور تسهیل در مراودات تجاری بین تجار تاکید کرد.

در ادامه، «هه‌لکه‌وت عبدالرحمن» مدیرکل باغداری، منابع آب و کشاورزی اقلیم کردستان و نماینده وزیر کشاورزی نیز در این نشست عنوان کرد: ایران از نظر کشاورزی پیشرفت خوبی داشته و باید برای راه‌اندازی کشاورزی مدرن و دانش‌بنیان، تبادل اطلاعات داشته باشم.

«عزیز سعید» مدیرکل سرمایه‌گذاری اقلیم کردستان و نماینده وزیر سرمایه‌گذاری نیز در این نشست با اشاره تسهیل سرمایه‌گذاری مشترک با ایران بیان داشت: متقابلا از سرمایه‌گذاران ایرانی برای گسترش مراودات تجاری در اقلیم استقبال می‌کنیم.

«هونر جمال» نماینده وزیر امور مالی کردستان نیز از اعلام آمادگی برای همکاری مشترک با جمهوری اسلامی ایران خبر داد.

وی با بیان اینکه این ظرفیت‌ها برای سرمایه‌گذاری در این مناطق معرفی نشده‌اند، اضافه کرد: برای معرفی این فرصت‌های بی‌نظیر و استثنایی این مناطق در نمایشگاه‌ها و از طریق رسانه‌ها اقدام به معرفی کرده و حضور در نمایشگاه سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق نیز به همین منظور بوده است.

همچنین، «شیخ مصطفی شیخ لطیف» رئیس اتحادیه صادرات و واردات اقلیم کردستان، ضمن اشاره به مشترکات فراوان فرهنگی و اجتماعی میان اقلیم کردستان با ایران و گسترش روابط تجاری فی‌مابین در سال‌های اخیر و استقبال تجار و مصرف‌کنندگان اقلیم از کالاها و محصولات ایرانی، آمادگی خود را برای توسعه روابط تجاری با ایران اعلام نمودند.

گفتنی است، در این نشست تفاهم‌نامه توسعه همکاری‌های تجاری و اقتصادی میان منطقه آزاد ماکو و اقلیم کردستان عراق منعقد شد.

گزارش:
علی جعفری
ملیحه استاوندی

در گفت‌وگو با کارشناسان مسائل اقتصادی کشور بررسی شد:

آیا رویای جذب سرمایه‌گذاری خارجی مسئولین در مناطق آزاد قابل تعبیر است؟

در یک سال گذشته مدیران و مسئولین مناطق آزاد، عمدتا با تدوین بسته‌های سرمایه‌گذاری و عرضه آنها در نمایشگاه‌های مختلف، در تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی از قبل این بسته‌های سرمایه‌گذاری هستند. در آخرین برنامه نمایشگاهی که توسط مناطق آزاد در شهر مشهد مقدس انجام گرفت؛ مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور اعلام کرد که در جریان این نمایشگاه، ۲۰۰هزار میلیارد تومان جذب سرمایه در مناطق آزاد صورت پذیرفت و بازدیدکنندگان از بسته‌های سرمایه‌گذاری استقبال خوبی کردند. در همین راستا نیز، طبق اعلام مسئولین دبیرخانه، برگزاری نمایشگاه‌های خارجی هم در دستورکار مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ایران است. در هفته جاری نمایشگاه گردشگری و صنایع‌دستی در شهر سلیمانیه اقلیم کردستان عراق با حضور مناطق آزاد هفتگانه کشور برگزار شد. در روزهای اول شهریورماه هم نمایشگاه فرصت‌های سرمایه‌گذاری مناطق آزاد در شهر ایروان ارمنستان با محوریت منطقه آزاد ارس برگزار خواهد شد. اسم رمز و هدف اصلی اعلام شده برای همه این برنامه‌های نمایشگاهی، جذب سرمایه‌گذار به‌ویژه سرمایه‌گذار خارجی از طریق عرضه بسته‌های سرمایه‌گذاری است. این هدف را می‌توان مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل تشکیل مناطق آزاد در ایران نامید. جذب سرمایه‌گذاری خارجی که محور تحقق سایر اهداف مدنظر از ایجاد مناطق آزاد در سراسر دنیا است. اما برای تامین این هدف اساسی در مناطق آزاد ایران؛ آیا شرایط لازم و بسترهای ضروری وجود دارد؟

این پرسش، محور تدوین گزارش پیش‌روی است. در این گزارش بررسی کردیم که آیا انجام سرمایه‌گذاری خارجی در وضعیت فعلی در مناطق آزاد ایران امکان‌پذیر است یا خیر؟ در گزارش پیش‌روی، با چند تن از کارشناسان مسائل اقتصادی کشور گفت‌وگو نموده‌ایم.

اما قبل از آنکه پاسخ کارشناسان محترم به سوالات نشریه را خدمت مخاطبین گرامی تقدیم کنیم، می‌خواهیم ببینیم، اصولا در دیپلماسی اقتصادی موفق، موضوع جذب سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از شئون دیپلماسی اقتصادی تابع چه شرایطی است؟

براساس بررسی‌های انجام گرفته، دیپلماسی اقتصادی هدفمند بخشی از حکمرانی اقتصادی دولت‌ها در فضای بین‌المللی است. در این راستا نیز دولت‌های درحال توسعه تلاش می‌کنند در قالب دیپلماسی اقتصادی، ضمن برقراری ارتباطات سازنده سیاسی و اقتصادی با سایر دولت‌ها، از مزیت شرکت‌های چندملیتی، نهادهای اقتصادی جهانی نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای، قراردادهای دو یا چندجانبه با کشورهای همسایه و... برای جلب حداکثر سرمایه، نیروی انسانی ماهر، مدیریت کارآمد و فناوری برای توسعه اقتصادی کشور متبوع خود حداکثر استفاده را ببرند. یعنی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در جریان تعامل مثبت یک کشور با جامعه جهانی و نهادهای اقتصادی تاثیرگذار انجام می‌گیرد.

بنابراین کشوری که نتواند دیپلماسی موفق اقتصادی داشته باشد؛ در جذب سرمایه‌گذاری خارجی توفیقی نخواهند یافت؛ چراکه سرمایه‌های در دنیای امروز به دلیل آشفتگی‌های موجود در نظم بین‌الملل؛ به آیتم‌های سیاسی همپای مزیت‌های اقتصادی یک جامعه توجه می‌کند. جامعه‌ای که نتوانسته است در قالب یک الگوی سازنده و یک رابطه تعاملی مثبت با دنیای پیرامونی رفتار کند، حتی در صورت داشتن محیط داخلی امن و آرام، موردتوجه سرمایه‌گذار خارجی نیست.

با لحاظ نکات پیش‌گفته؛ امروز باید ببینیم در کشور ما در دو حوزه داخلی و خارجی، شرایط مناسب برای جذب موفق سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد؟

به نظر می‌رسد حداقل طی یک‌سال گذشته، عرصه داخلی کشور دچار برخی کشمکش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شده است و در اثر این امر، تصویر محیط داخلی در رسانه‌های خارجی، تا حدودی مخدوش و ناآرام جلوه می‌کند. همچنین در حوزه دیپلماسی اقتصادی و سیاسی نیز، کشور ما در وضعیت کنونی درگیر جریان پرابهام برجام و برخی درگیری‌های جاری با کشورهای همسایه است. به این شرایط محیط سیاسی، فاکتورهای ضعیف و گاها مصیبت‌بار اقتصاد کشور را هم اگر اضافه نماییم، در نهایت آنچه قابل مشاهده است، به هیچ‌وجه برای سرمایه‌گذار خارجی جذاب نیست.

بنابراین وقتی از جذب سرمایه‌گذاری آن هم در مناطق آزاد سخن گفته می‌شود، ناخودآگاه احساس می‌کنیم، مدعیان امر بدون توجه به مقدمه کلام و موضوع حرف زده‌اند؛ زیرا مناطق آزاد علاوه‌بر داشتن مشکلات عام ذکر گردیده، امروز درگیر مشکلات پیچیده مدیریتی و ضعف مفرط قانون و مشوق‌ها نیز می‌باشند. بنابراین چگونه می‌توانند تنها با تدوین بسته‌های سرمایه‌گذاری که حاوی برخی اطلاعات کلی از فرصت سرمایه‌گذاری مدنظر سازمان‌های مناطق آزاد است، در مسیر جذب موفق سرمایه‌گذاری خارجی قرار بگیرند؟ علاوه‌بر همه این موارد، ضعف زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد و تحریم‌های مالی خارجی نیز می‌تواند مزید بر علت شده و شانس مناطق آزاد برای جلب توجه جریان‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری را کاهش دهند.

در نهایت باید بگوییم با وجود آن‌که جذب سرمایه‌گذاری خارجی در قانون مناطق آزاد جزو اهداف اولیه و اصلی شکل‌گیری این مناطق بوده است؛ متاسفانه شرایط فعلی جامعه و کشور در محیط داخلی و خارجی اجازه نمی‌دهد امید زیادی به ورود سرمایه خارجی داشته باشیم. در نتیجه موضوع جذب و ورود سرمایه‌گذاری خارجی به مناطق آزاد در اوضاع کنونی، چیزی شبیه آرزوی محال است.

می‌گویند فردی کنار دریا نشسته بود و یک سطل ماست را داخل آب دریا حل می‌کرد. شخص دیگری از علت کارش جویا شد. او در جواب گفت: درحال درست کردن دریای دوغ هستم. شخص سوال کننده گفت: اما این امکان ندارد با یک سطل ماست دریای دوغ درست کنی. جواب داد: می‌دانم نمی‌شود، اما اگر شود چه می‌شود؟ ظاهرا دوستان ما در مناطق آزاد هم می‌دانند با بسته سرمایه‌گذاری صرف بدون تامین سایر شرایط لازم، سرمایه‌گذاری خارجی مدنظر قابل‌تحقق نیست؛ اما آرزو می‌کنند که بشود.

آلبرت بغزیان، کارشناس مسائل اقتصادی:
بازگرداندن معافیت‌ها و جذب سرمایه‌گذار خارجی، صرفا وعده و وعید است

آلبرت بغزیان کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با نشریه، تحریم‌ها، حذف معافیت‌های مالیاتی، سپردن دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به وزارت امور اقتصادی و دارایی و نبود زیرساخت‌ها را از مشکلات مناطق آزاد در بحث جذب سرمایه‌گذاری معرفی و تاکید کرد: زمانی که پول‌های ایران بلوکه می‌شود، وقتی بانک‌های خارجی در مناطق آزاد حضور نداشته و سرمایه‌گذار امنیت اقتصادی ندارد؛ طبیعتا سرمایه‌گذار اعتمادی به مناطق آزاد ایران جهت شروع یک فعالیت اقتصادی، تولید و صادرات نخواهد داشت.

وی در پاسخ به این سوال که با وجود تحریم‌ها، محدودیت‌های حضور کشور در مجامع بین‌المللی و عدم عضویت ایران در اف‌ای‌تی‌اف، آیا جذب سرمایه‌گذاری خارجی امکان‌پذیر است، اظهار کرد: کشور که تحریم باشد، عملا منطقه آزاد هم تحریم است. ضمن اینکه بحث امنیت اقتصادی مطرح می‌باشد. اکنون هم اگر سرمایه‌گذار، کاری به موضوع تحریم نداشته باشد، فردا ممکن است موضوعی تصویب گردد که به ضرر او تمام شود. زمینه‌های سرمایه‌گذاری بیشتر در بحث ساختمان‌سازی و ایجاد سوله‌ها بوده؛ درواقع همچون منطقه آزاد چابهار بیشتر حالت لجستیکی پیدا کرده است. تنها موضوعی که درحال حاضر می‌بینیم، این است که سرمایه‌گذار خارجی تمایل به سرمایه‌گذاری در صنایعی دارند که تجهیزات و ماشین‌آلات آنها باید وارد کشور شود. سرمایه‌گذار امید دارد بازار داخلی و صادرات را داشته باشد؛ اما وقتی می‌بینید حتی پول ایران بلوکه می‌شود، چطور می‌تواند مطمئن باشد که سرمایه اولیه آن به خطر نمی‌افتد؟! در شرایط فعلی کشور، سرمایه‌گذار داخلی رغبتی برای سرمایه‌گذاری نشان نمی‌دهد، چه برسد به سرمایه‌گذار خارجی که بخواهد با محدودیت‌های لحاظ شده به مناطق آزاد ایران بیاید و فعالیت اقتصادی خود را شروع کند.

این کارشناس مسائل اقتصادی درخصوص حذف مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی مناطق آزاد و تاثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی عنوان کرد: این سهل‌انگاری را از خود مدیران عامل سازمان‌های مناطق آزاد و معاونین مناطق می‌بینیم که تسلیم این امور شدند و اساس قانون چگونگی اداره مناطق آزاد را فراموش کرده‌اند. مواردی که روزی برای سرمایه‌گذار امتیاز بود، اکنون در مناطق آزاد از بین رفته است. با این شرایط چه انگیزه‌ای برای فعالیت اقتصادی آن هم توسط سرمایه‌گذار خارجی باید وجود داشته باشد؟! کارگر و کاسب برای کار کردن در مناطق آزاد باید مالیات بپردازد و متاسفانه مسئولان ما بسیار زود این موضوع را پذیرفتند؛ درواقع چندان قوی عمل نکردند که برای قانونگذار و وزیر توضیح بدهند اگر این موضوعات به مناطق آزاد تسری پیدا کند، دیگر تفاوتی میان این مناطق با سرزمین اصلی وجود ندارد و با این وضعیت سرمایه‌گذار حاضر به فعالیت نخواهد شد و ترجیح می‌دهد کار خود را در کشورهای همسایه و دیگر مناطق آزاد دنیا انجام دهد. متاسفانه کلمه آزادی درخصوص این مناطق از بین رفته است. این مسائل و چالش‌ها یک روزه برای مناطق آزاد ایجاد نشده است که صرفا به واکنش صرف اکتفا نماییم. دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی باید حافظ منافع باشد و برای اجرای قانون می‌بایست تلاش کند.

بغزیان افزود: وقتی موضوعی تصویب، اجرا و ابلاغ می‌گردد، دیگر نمی‌شود کاری کرد. اما پیش از تصویب، این پیشنهادها در مجلس شورای اسلامی و دولت مطرح شده است و قطعا به گوش دبیرخانه شورایعالی هم رسیده است؛ چراکه بارها بحث‌های کارشناسی از سوی فعالین اقتصادی مطرح شد، اما تلاشی برای ممانعت از تصویب این موارد توسط مسئولین مربوطه انجام نگرفت. اینکه بعد از تصویب و اجرا بگوییم که این موضوع را برمی‌گردانیم و مجددا معافیت‌ها را به مناطق آزاد اعطا می‌کنیم، صرفا وعده و وعید است. این مسائل را باید از همان ابتدا پیگیری می‌کردند تا نتایج آن اکنون فرار سرمایه‌گذار از مناطق آزاد نباشد.

وی به بحث سپردن دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به وزارت امور اقتصادی و دارایی اشاره کرد و بیان داشت: این موضوع هم مسئله‌ای است که باعث عدم تسلط بر بحث مناطق آزاد توسط خود مسئولین دبیرخانه شده است. مبحث مناطق آزاد موضوعی جداست و وقتی زیرنظر وزارت اقتصاد می‌رود، بروکراسی‌ها پیچیده می‌شود. متاسفانه حرف‌شنوی درخصوص مناطق آزاد نداریم. به هرحال دبیرخانه شورایعالی زیرنظر وزارت اقتصاد قرار گرفته است و در این خصوص شاهد نارضایتی‌ها هستیم. این پیش‌بینی‌ها باید از قبلا صورت می‌گرفت، اما امیدوارم در برنامه هفتم توسعه چالش‌ها و مشکلات اصلاح و مرتفع شود.

این کارشناس مسائل اقتصادی درخصوص این‌که چه شرایط اختصاصی برای سرمایه‌گذار خارجی می‌توان مهیا نمود، گفت: سرمایه‌گذار خارجی بحث انتقال ارز را مطرح می‌کند؛ اما هنوز نتوانستیم در کشور و مناطق آزاد بانک‌های آفشور را مستقر کنیم تا بتوانند حداقل سرمایه را منتقل نمایند. بنده شنیدم وقتی صحبت از میزان سرمایه‌گذار خارجی می‌کنند، خریدهای اسپیلت را به عنوان سرمایه‌گذاری خارجی مطرح می‌نمایند؛ درحالی که این مبلغ باید از خارج بیاید و تامین گردد. وقتی خرید خارجی انجام می‌دهیم، بی‌شک سرمایه‌گذاری خارجی محسوب نمی‌شود. لذا اولویت استقرار بانک‌های خارجی در مناطق آزاد و بحث نقل و انتقال ارزی است که نباید دستخوش تحریم‌ها شود.

بغزیان همچنین درخصوص بحث تامین زیرساخت‌ها در مناطق آزاد اذعان داشت: هر منطقه‌ای مشکلات مختص به خود را دارد. ماموریت برخی مناطق آزاد اصلا مشخص نیست؛ بعضی هم تجارت چمدانی دارند. در برخی نقاط نیز تمایل به لجستیک وجود دارد، اما هر چه که هست مسلما زیرساخت باید تامین گردد. در این خصوص سهل‌انگاری از خود مسئولین است که اولین بنای کار با غفلت همراه باشد. زیرساخت، اولین موضوعی است که باید وجود داشته باشد؛ ما در همه مناطق آزاد دنیا می‌بینیم که زیرساخت آماده و سپس منطقه آزاد شکل می‌گیرد؛ طبیعتا این وضع برای سرمایه‌گذار رضایت‌بخش است.

این کارشناس مسائل اقتصادی در پایان درخصوص برگزاری نمایشگاه‌ها و معرفی بسته‌های سرمایه‌گذاری مناطق آزاد در جهت جذب سرمایه‌گذاران خارجی تصریح کرد: نمایشگاه خارجی بیشتر پروژه‌ها را معرفی می‌کند و طبیعتا افرادی که شرکت کردند، یا مطلع نبودند یا حرفه‌ای نبودند. باید حتما افرادی که مرتبط هستند و به زبان خارجی مسلط می‌باشند، حضور داشته باشند. افراد حرفه‌ای در تیم‌ها، برای معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری لازم است. ما شاهد هستیم که برخی فرصت‌ها انتزاعی هستند و اصلا عددها با هم نمی‌خورد. وقتی فرصت معرفی می‌کنند، یعنی تمام مسائل قانونی، فنی، زیست محیطی و منابع طبیعی برطرف شده و فقط منتظر پول و شروع سرمایه‌گذاری هستند؛ غافل از آنکه تازه اول کار است و سرمایه‌گذاری قرار است با سختی‌های زیادی مواجه گردد.

گرشاسب خزائنی، کارشناس مسائل اقتصادی:
لزوم اصلاح رویکرد سیاست اقتصادی و تامین زیرساخت در مناطق آزاد برای جذب سرمایه‌گذار خارجی

گرشاسب خزائنی کارشناس مسائل اقتصادی نیز در گفت‌وگو با نشریه بر لزوم اتخاذ یک سیاست اقتصادی صحیح درخصوص مناطق آزاد تاکید کرد و گفت: تولید وقتی مزیت است که انرژی ارزان یا نیروی انسانی توانمند وجود داشته باشد و یا اینکه بازار خوبی داشته باشیم. واقعیت این است که ما هیچ‌کدام از اینها را نداریم، اما درکنار اینها، مالیات‌های سنگین را هم لحاظ می‌کنیم؛ این موضوع باعث می‌شود که سرمایه‌گذارخارجی به مناطق آزاد رقیب برود.

وی در پاسخ به این سوال که با توجه شرایط تحریمی و محدودیت‌های بین‌المللی آیا جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد امکان‌پذیر است، اظهار داشت: سرمایه‌گذاری خارجی نیاز به یکسری زیرساخت دارد که در مناطق آزاد کشور ما در شرایط فعلی وجود ندارد؛ به همین سبب بحث عملیاتی سرمایه‌گذاری خارجی علی‌رغم وعده‌هایی که داده می‌شود، سخت به نظر می‌رسد.

خزائنی ادامه داد: اولین موضوعی که برای سرمایه‌گذاری خارجی نیاز داریم، سیاستی است که اجازه دهد سرمایه‌گذار خارجی از بازار داخلی استفاده نماید. درواقع سرمایه‌گذار به کشور ما می‌آید تا محصولی تولید کند و آن را در بازار بفروشد یا صادر نماید؛ اما وقتی بازار داخلی ما تا حدود زیادی برای محصول خارجی محدود شده است، سرمایه‌گذار چگونه می‌تواند فعالیت کند؟! لذا در ابتدای کار ما یک سیاست اقتصادی می‌خواهیم که سرمایه‌گذار خارجی در آن معنا داشته باشد. اینکه تصور کنیم که یک منطقه را فنس‌کشی کرده و چند مشوق هم در نظر گرفتیم تا سرمایه‌گذار بیاید، بی‌شک نتیجه‌ای نخواهد داشت؛ چراکه این معافیت‌ها، هزینه‌های تولید و صادرات را کاهش چندانی نمی‌دهد؛ بنابراین سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد به مناطق آزاد رقیب برود. طبیعی است که وقتی نمی‌توانیم سهمی از بازار را به سرمایه‌گذار اختصاص دهیم؛ درواقع مزیتی هم به او نداده‌ایم. از سوی دیگر زیرساخت‌های مناطق ضعیف است؛ زیرا مناطق آزاد ایران در مناطق کم‌برخوردار تشکیل یافته‌اند و حداقل‌های زیرساختی همچون حمل‌ونقل، آب، برق و ... را ندارند؛ در نتیجه هزینه تولید در این مناطق بالاتر است. منطقی است که یک سرمایه‌گذار به‌جای علاقه‌مندی به سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد چابهار، قشم، ارس و... بیشتر راغب شود که به مرکز کشور یعنی تهران و یا کرج بروند. لذا با این روش و رویکرد نمی‌توان سرمایه‌گذار جذب نمود، مگر اینکه سیاست‌های اقتصادی را تغییر دهیم. پس از آن، در حوزه زیرساخت‌ها، نیاز به حجم قابل‌توجهی سرمایه‌گذاری از سوی دولت در مناطق آزاد داریم؛ آن موقع است که تولید به‌صرفه خواهد شد و سرمایه‌گذار به مناطق آزاد می‌آید. اینکه ما تصور کنیم صرفا با معافیت‌ها می‌توانیم اقدام مطلوبی انجام دهیم، خطری راهبردی است که در این سال‌ها وجود داشته و نتیجه آن را درحال حاضر مشاهده می‌کنیم که حجم سرمایه‌گذاری در این سال‌ها چقدر کم بوده است.

این کارشناس مسائل اقتصادی در ادامه عنوان کرد: فرض کنیم بنده به عنوان سرمایه‌گذار به یک منطقه آزاد می‌آیم؛ اولین سوالم این است که آیا برای تولید، حداقل امکانات لازم وجود دارد یا خیر؟ می‌توانم به حمل‌ونقل مطلوب دسترسی داشته باشم؟ پرسنل بنده خدمات رفاهی دارند یا خیر؟ و سوالات متعدد دیگر؛ این موضوعات عملا در مناطق آزاد ما وجود نداشته و ما به زور معافیت‌ها می‌خواستیم اقدامی کنیم که سرمایه‌گذار جذب شود.

مشکل اصلی سرمایه‌گذار خارجی نقل و انتقال پول است و ما دچار محدودیت در تجارت بین‌المللی و معاملات بانکی هستیم. طبیعتا این موضوع باعث مصیبت سرمایه‌گذار خارجی برای کار کردن می‌شود. باید بپذیریم که مشکلات مناطق آزاد بیشتر از آنکه داخل مناطق باشد، باید فراسوی مناطق آزاد مرتفع گردد.

وی در پاسخ به این سوال که آیا زیرساخت‌های مناطق آزاد ایران قابل‌قیاس با مناطق آزاد کشورهای همسایه می‌باشد، بیان نمود: علت پدید آمدن مناطق آزاد این بود که یکسری فعالیت‌های اقتصاد وجود داشت که بسته و تحت رویکرد سیستم دولتی بودند و البته که رقابتی هم در بازار نداشتند؛ در نتیجه منطقه‌ای را جدا کردند تا ارتباط با دنیا، رقابت‌پذیری بخش خصوصی و بهبود حکمرانی را تمرین نمایند. اما در کشور ما نظام و رویکرد و محدودیت‌ها همان است که در سرزمین اصلی وجود دارد. اصلا برای چه مناطق آزاد داریم؟ قرار بود مناطق آزاد از اقتصاد سرزمین اصلی جدا شود، نه آن‌که یک منطقه را بگیریم و صرفا برخی معافیت‌ها را به آن اختصاص دهیم. اکنون اقتصاد هنگ‌کنگ با اقتصاد چین فرق می‌کند، در سنگاپور نیز همین روال است. اگر قرار باشد قانون، مدیر، رویکرد و حاکمیت همان باشد، دیگر تاسیس مناطق آزاد برای چه بود؟ نگاه دولتی که در سرزمین اصلی وجود دارد، در مناطق آزاد نیز حاکم است.

خزائنی تاکید کرد: باید تمرکزمان را از روی معافیت‌ها برداریم و به جای آن فکر کنیم که اگر شرکت بین‌المللی می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند، چگونه برای آن بازار را مهیا کنیم؟ تولید وقتی مزیت است که انرژی ارزان یا نیروی انسانی توانمند وجود داشته باشد و یا اینکه بازار خوبی داشته باشیم. واقعیت این است که ما هیچ‌کدام از اینها را نداریم، اما درکنار اینها، مالیات‌های سنگین را هم لحاظ می‌کنیم. سرمایه‌گذاری که به کشور مالزی می‌رود، وام و تسهیلات بانکی خوبی به او اختصاص می‌دهند؛ اما ما همین کار را هم نمی‌توانیم انجام دهیم. اگر کسی هم از خارج پولی به کشور بیاورد، نمی‌توانیم به او کمک کنیم که بخواهد از کشور به‌راحتی خارج نماید؛ لذا معامله خارجی سخت است.

وی افزود: اقدام خوبی که در دوبی انجام شد، این بود که دولت حجم زیادی سرمایه‌گذاری صورت داد و پس از آن، سرمایه‌گذارها با تسهیل شرایط تشویق شدند و به این منطقه آمدند، درحالی که ما این حجم سرمایه‌گذاری را در کشور خودمان انجام ندادیم و صرفا گفتیم عوارض گمرکی را برای ایجاد زیرساخت‌ها هزینه کنیم، که عملا این منابع هم صرف فعالیت اقتصادی نشد. به عنوان مثال پروژه‌های منطقه آزاد چابهار بیشتر رفاهی هستند و خانه و مراکز رفاهی و ورزشی و مسجد ساخته شد، درحالی که باید اعتبارات صرف ساخت فرودگاه، بندر، راه‌آهن، انبار و... می‌گردید؛ اما به جای آن پارک ساخته شد! درواقع فعالیت اقتصادی صورت نگرفت. در دوبی فرودگاه ساخته می‌شود و همچنین یکسری مراکز اداری و تجاری ایجاد می‌گردد و بعد از آن به شرکت‌ها می‌گویند که اسقرار پیدا کنند یا در جبل‌علی بندر ساخته می‌شود و سپس فضای پشتیبان آن می‌گوید که حالا معامله انجام گیرد؛ اما ما برعکس عمل کردیم؛ منطقه‌ای را به اسم منطقه آزاد اعلام نمودیم و بعد یک شهر را به آن سپردیم! مسئولیت شهر چابهار را به منطقه چابهار و مسئولیت شهر قشم را به منطقه آزاد قشم دادیم. از طرفی منابعی را که بسیار محدود است را به‌جای اینکه صرف سرمایه‌گذاری و زیرساخت اقتصادی نماییم؛ صرف آسفالت خیابان و لوله‌کشی خانه‌ها کرده‌ایم. البته این کارها خوب و مبارک است؛ اما کاری اقتصادی و مربوط به مناطق آزاد کشور نیست؛ بلکه صرفا جهت رفع محرومیت‌زدایی انجام می‌گیرد. درواقع ماموریت مناطق آزاد مخدوش شده و باری بر روی دوش آنها افتاده است که اصلا در حیطه وظایفشان نیست. مناطق آزاد تا سال‌های سال باید تلاش کنند که فقط محرومیت منطقه را مرتفع و همچون یک فرمانداری ویژه عمل نمایند. منطقه آزاد در دوبی وظیفه‌ای در شهر ندارند، مدیر منطقه نیز منابع حاصله را صرف منطقه آزاد می‌کند. ولی ما برعکس عمل کردیم؛ منابع محدود را صرف شهر و جمعیت کردیم و بافت شهر را نیز بهم زدیم؛ ضمن اینکه این موضوع تاثیرات اجتماعی بدی هم گذاشته است. مثلا در چابهار، قسمتی را به صورت محدود داریم که چند خانه درست کردند و فضای سبز و بهداشت دادند و باعث ایجاد نابرابری شدید در شهر شده‌اند. مردم شهر ناراضی هستند که چرا فقط آنجا آبادانی وجود دارد؟ به جهت این موضوع نیز جمعیت زیادی مهاجرت کردند. این اتفاقات نتیجه بهم ریختن شهر و خارج شدن از ماموریت بوده و کمکی به اقتصاد منطقه هم نکرده است.

این کارشناس مسائل اقتصادی در پایان و در پاسخ به این سوال که آیا برگزاری برنامه‌های نمایشگاهی خارجی، با عنوان ارائه بسته‌های سرمایه‌گذاری مناطق آزاد به سرمایه‌گذاران خارجی همراه با هزینه‌کردهای قابل‌توجه، توجیه منطقی دارد، خاطرنشان کرد: نمایشگاه یعنی معرفی فرصت به سرمایه‌گذار. اول اینکه سرمایه‌گذار را باید پیدا کنیم و به نمایشگاه بیاوریم. دوم اینکه محصول و بسته خوبی داشته باشیم تا به او ارائه نماییم. از سوابق قبلی پیداست که ایده‌های خیلی جذابی وجود نداشته و روی آنها فکر نشده است. دسترسی سرمایه‌گذار هم محل ابهام است. زمانی این نمایشگاه‌ها می‌تواند تاثیرگذار باشند که ابتدا سیاست‌ها را حل کرده باشیم، طرح‌هایی با تعریف استاندارد داشته باشیم، نحوه حمایت از سرمایه‌گذار نیز مشخص باشد، نظام بانکی پشت ماجرا بایستد، برای بازار و نیروی انسانی و منابع فکر شده باشد تا نهایتا سرمایه‌گذار بتواند فعالیت کند. یک زمانی قرار بود کیش نقطه گردشگری باشد، روی پروژه آن نیز فکر و کار شد و زنجیره هم در کنارش قرار گرفت. اما این اتفاق در منطقه آزاد دیگری نیفتاد. بنابراین باید بر روی ایده‌ها فکر کرد و منتظر برگزاری نمایشگاه و فرصت‌های کوتاه نباشیم. ما فرصت‌های سرمایه‌گذاری خیلی خوبی در کشورهای همسایه داریم و می‌توانیم از این ظرفیت‌ها و همکاری‌ها استفاده کنیم تا سرمایه‌گذار به جذب کشورمان شود؛ به شرط اینکه ایده‌های خوبی داشته باشیم.

علی بیگلری، کارشناس مسائل اقتصادی:
جذب سرمایه‌گذار خارجی در مناطق آزاد، یک جک رسانه‌ای دردآور است

و اما، علی بیگلری کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با نشریه، به تشریح ملزومات جهانی شدن اقتصاد پرداخت و با تاکید بر ضرورت وجود زیرساخت‌های عمرانی، قانونی، سرمایه‌گذاری؛ نقدی بر نوع مدیریت در مناطق آزاد و استراتژی‌های اتخاذ شده از سوی مسئولین دبیرخانه و سازمان‌های مناطق آزاد نمود و ادامه روند فعلی را بدون دستاورد دانست.

وی در پاسخ به این سوال که در سال‌های اخیر مسئولین مناطق آزاد ایران به‌ویژه مسئولین ارشد دبیرخانه شورایعالی، تاکید زیادی بر ضرورت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این مناطق داشته‌اند؛ به نظر شما با توجه به محدودیت‌های متنوع بین‌المللی ناشی از تحریم‌های خارجی و عدم عضویت ایران در مجامع و کنوانسیون‌های مالی جهانی نظیر اف‌ای‌تی‌اف، آیا جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد امکان‌پذیر است، گفت: با تشکر از حضور موثر و روشنگرانه شما در عرصه رسانه‌ای مناطق آزاد و تلاشی که برای پرداخت ریشه‌ای به مسائل مبتلابه مناطق آزاد دارید. در جواب پرسش شما باید عنوان‌کنم که؛ اولا جریان توسعه اقتصادی در جهان امروز تابع یک سیستم فراگیر است. این سیستم از دهه۹۰ قرن بیستم، سیستم جهانی شدن نامگذاری شده است. این سیستم شدیدا متکی بر نهادهای مالی بین‌المللی و ابزارهای ارتباطی جدید می‌باشد. همچنین در این سیستم، مراکزی وجود دارد که اعتبار اقتصادی کشورها، مناطق، سازمان‌ها و شرکت‌ها را ارزیابی می‌کنند و براساس این ارزیابی‌ها است که نیروهای فعال مالی، تجاری، صنعتی و فن‌آور یک کشور، منطقه، شرکت و سازمان را برای کار انتخاب می‌کنند. بنابراین اگر در داخل این سیستم اقتصادی هوشمند جهانی باشیم، طبیعتا در جریان تحولات مثبت و گاها منفی آن خواهیم بود. متاسفانه چند دهه است اقتصاد ایران در اثر تحریم‌های خارجی و خودتحریمی‌های داخلی، از جامعه اقتصادی جهان کنار رفته است. در سال۲۰۲۲ حدود ۱۳۰۰میلیارد سرمایه‌گذاری خارجی در جهان انجام شده که سهم ایران از این دریای بزرگ، یک قطره بیشتر نبود یعنی ۱٫۵میلیارد دلار. بالاترین رقم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران طی ۱۰سال گذشته در سال۲۰۱۷ بود که به ۵٫۱۹میلیارد دلار رسید. این هم نتیجه برخی گشایش‌های اقتصادی و مالی ناشی از اجرای برجام بود.

بیگلری ادامه داد: این درحالی است که ما خروج سرمایه خالصی که از کشور داریم بیش از ۱۰میلیارد دلار در سال است. پس وقتی در کل کشور، ما نمی‌توانیم جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به تناسب فرصت‌های ناب اقتصادی ایران داشته باشیم، علی‌الاصول صحبت از جذب سرمایه‌گذاری میلیارد دلاری در مناطق آزاد یک «جک رسانه‌ای دردآور» است که گوینده آن تعمدا به قصد آزار روحی و روانی مخاطب خود یعنی مردم ایران بیان می‌کند. ما وقتی با بخش مالیه جهانی ارتباط معمولی نداریم، نظام مالی-بانکی‌مان غلطیده در فساد، ناکارآمدی و عقب‌ماندگی تکنولوژیک است؛ یا وقتی ما با انتخاب خودمان، از سیستم مالی جهان حذف می‌شویم، نباید انتظار داشته باشیم سرمایه‌گذار فرصت‌های اقتصادی کشور ما و مناطق آزاد ما را انتخاب کند.

این کارشناس مسائل اقتصادی عنوان کرد: البته برخی از مسئولان خیلی دوست دارند که ما سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشیم و به ضرورت انجام این کار واقف هستند. خیلی خوب است، اما باید بسترهای ضروری آن را هم ابتدا فراهم کنند. مناطق آزاد ایران یقینا فرصت‌های اقتصادی بی‌نظیری دارند، ولی زمانی این فرصت‌ها موردتوجه سرمایه‌گذاران در دنیا قرار می‌گیرد، که بتوانند از دروازه‌های قانونی و معمول اقتصاد وارد شوند، نه از کجراهه‌ها و بیراهه‌ها.

وی در پاسخ به سوالی دیگر مبنی‌بر این‌که، در سال‌های گذشته بخش مهمی از مشوق‌ها و مزیت‌های قانونی در حوزه مناطق آزاد نظیر معافیت‌های مالیاتی حذف و یا لغو شده‌اند؛ در چنین شرایطی، سرمایه‌گذار خارجی با چه انگیزه و پشتوانه‌ای باید حاضر است در مناطق آزاد سرمایه‌گذاری نماید، تصریح کرد: در کنار مشکلات عمومی کشور ما، در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران یکسری معایب و مسائل را داریم که اغلب ریشه در قانون‌گریزی دارد، یا فهم درست از قانون نیست و مجری قانون با فهم ناقص خود محیط اقتصادی را دچار چالش می‌کند. مناطق آزاد هم ظاهرا از این امر مستثنی نیست. ظاهرا قانون در مناطق آزاد در درجه دوم اهمیت است. هرچند در سایه قانون است که یک منطقه خاص از یک کشور، تعریف متفاوتی از خود ارائه می‌دهد. بنابراین وقتی قانون که ستون اقتصاد منطقه آزاد است، تضعیف شود؛ محیط عمومی اقتصاد دچار هرج و مرج می‌گردد. اکنون برخی از مزیت‌های قانونی که به سرمایه‌گذاران مناطق آزاد اعطا می‌شود، نقض شده است. حال یک سرمایه‌گذار چطور به ماندگاری دیگر مزیت‌ها و مشوق‌های قانونی موجود اعتماد کند؟ اگر فردا یک مسئولی، ارگانی، وزارتخانه‌ای نخواهد به بقیه موارد قانون اعتنا کند، فعال اقتصادی به کجا می‌تواند پناه ببرد و حق قانونی خود را طلب کند؟ زیرا اگر می‌توانست و نتیجه داشت، می‌بایست اکنون قانون معافیت مالیات بر ارزش افزوده در مناطق آزاد برقرار باشد. در نتیجه فعال اقتصادی دلسوز باید با توکل بر خدا وارد مناطق آزاد شود؛ چراکه درحال حاضر آنها از تمام قوانین موضوعه خود رها هستند.

بیگلری در ارتباط با سوال دیگر مبنی‌بر اینکه اقتصاد ایران دارای برخی مزیت‌های عمومی ازجمله انرژی ارزان، نیروی انسانی تحصیلکرده و جوان، زیرساخت‌های ارتباطی و نزدیکی به بازارهای خارجی است. در این موقعیت، مناطق آزاد صرف‌نظر از قانون ناقص شده آن، چه شرایط اختصاصی می‌تواند برای سرمایه‌گذار خارجی مهیا کند، گفت: بله؛ اقتصاد ایران تمام این مزیت‌ها را دارد، بیشتر از دیگر کشورها هم دارد؛ ولی مزیت، تابع یک شرایطی است تا به امتیاز تبدیل شود. این شرایط در سه دایره متداخل جهانی، کشوری و منطقه‌ای باید ایجاد گردد. در سطح جهانی که به عنوان کردیم گرفتار چه وضعیتی هستیم، در سطح ملی هم برنامه توسعه اقتصادی ایران و راهبردهای ملی ما دارای ابهام و عدم تحقق است. همچنین ما گرفتار ناکارآمدی نظام مدیریت، فساد ساختار اداری، بهره‌وری پایین نهادهای تولید، ضعف زیرساخت‌ها، عقب‌ماندگی تکنولوژی و... می‌باشیم. وضعیت عمومی مناطق آزاد را هم که شما بهتر از ما خبر دارید. نظام مدیریت فرمایشی و فرمالیته، ضعف در اجرای قانون، ضعف زیرساخت‌ها و ضعف هماهنگی بین‌سازمانی. حال در این سه محیط پرمشکل و مسئله، شما خودت را بجای یک سرمایه‌گذار بگذار؛ تنها در شرایطی حاضر به حضور و ورود در چنین محیطی هستید که اولا، امتیازات درشت و نقد بگیرید و سپس بتوانید با اصحاب قدرت و رانت برای حفظ خودت ارتباط قوی مبتنی‌بر بده و بستان برقرار کنید. وگرنه به طور معمول، جریان سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد بهتر از این نخواهد بود. برای داشتن این شرایط هم شهرک‌های صنعتی کافی است. به نظرم وقتی قرار باشه تولید ما آفتابه و لگن باشد و خروجی آن را نتوانیم در مشارکت‌های بین‌المللی و بازارهای جهانی ببینیم، عرصه‌های صنعتی و اقتصادی مناطق آزاد ضرورتی ندارد.

این کارشناس مسائل اقتصادی در پاسخ به سوال که به عقیده شما مناطق آزاد دارای زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری مناسب و مطلوب و قابل رقابت در سطح منطقه‌ای هستند؛ آیا زیرساخت‌های مناطق آزاد (عمرانی و قانون) قابل‌قیاس با مناطق آزاد کشورهای همسایه می‌باشد، اظهار داشت: صحبت از مقایسه مناطق آزاد ایران با مناطق آزاد کشورهای همسایه یک صحبت بیهوده است؛ زیرا مقایسه وقتی اعتبار دارد که جریان کلی حاکم بر دو امر مشابه هم باشد. ولی بین مناطق آزاد ایران و مناطق آزاد ترکیه چه چیزی مشابه است، امتیازات قانونی اعطایی به فعال اقتصادی، تعهد دولت به ایجاد زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری، فضای اداری پیشرفته و مرتبط با دنیا، نظام بانکی پشتیبان، دیپلماسی اقتصادی کارآمد! کدام شرایط مناطق آزاد ایران با مناطق آزاد ترکیه، آذربایجان، امارات و... برابر است که زیرساخت‌های آنها نیز قابل مقایسه باشد؟!

وی در پاسخ به سوالی دیگر مبنی‌بر اینکه آیا در برنامه کلان مناطق آزاد برای جذب سرمایه‌گذاری، بازارهای هدف جذب سرمایه‌گذار خارجی و نیز بازارهای مصرف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، تاکید کرد: این سوال هم جوابی روشن اما تلخی دارد. من از شما می‌پرسم، اساسا درحال حاضر برنامه کلان مدیریت توسعه اقتصادی مناطق آزاد در داخل کشور معلوم است؟ اصلا مناطق آزاد برنامه دارند؟ اگر دارند این چه بساطی در حوزه مدیریت است؟ نه ثباتی، نه چشم‌اندازی، نه استراتژی، هیچ و هیچ. همه‌اش ادعا، حرف، حرف و حرف. ورود به بازارهای خارجی مگر به این سادگی می‌باشد؛ داشتن چشم‌انداز منطقی، از نیازهای حال و آینده بازارهای هدف، تحلیل تخصصی بازارها در بازه‌های زمانی مختلف، استفاده از توان کارشناسان خبره، جلب همراهی تجار آشنا به تجارت بین‌المللی، تهیه بانک اطلاعات از وضعیت توسعه اقتصادی و اجتماعی بازارهای هدف و جریان اقتصاد جهانی الزامی است. بی‌شک رسیدن به این موارد تخصص، فروتنی و ارتباطات پیچیده و چندوجهی می‌خواهد. وضعیت امروز مدیریت عرصه کلان داخلی و بین‌المللی مناطق آزاد بسیار از آنچه لازم است، فاصله دارد. برنامه کلان آنها کجا بود؟! جریان تجارت جهانی امروز درحال تغییر مسیرهای ترانزیتی و تجاری است و در این شیفت احتمالا ایران از ساختار تجارت و ترانزیت دنیا حذف شود. دوستان ما خیالات خودشان را به‌جای واقعیت بیان می‌کنند؛ اما واقعیت همان چیزی است که اکنون وجود دارد. واقعیت کشور آذربایجان است که در کنار بندر بین‌المللی باکو، منطقه آزاد الت را برای شکل‌دهی یک پورت ترانزیت و صادراتی منطقه‌ای بزرگ با ظرفیت ۲۵میلیون تن ایجاد می‌کند. برای این هدف هم دیپلماسی فعالی را از چین تا اروپا شکل داده و در تلاش است شرکت‌های بزرگ دنیا را برای کار در کریدور ترانزیتی میانی یا ترانسکا جلب نماید. واقعیت این تلاش‌های حساب شده و در تعامل با طرف‌های بین‌المللی است. در پاسخ به شما باید بگویم خیر؛ بنده این قابلیت را در این دوستان نمی‌بینم که اصلا برنامه داشته باشند، حالا خرد و کلان آن بماند.

این کارشناس مسائل اقتصادی در پایان و در پاسخ به این‌که در شرایط فعلی، آیا برگزاری برنامه‌های نمایشگاهی خارجی، با عنوان ارائه بسته‌های سرمایه‌گذاری مناطق آزاد به سرمایه‌گذاران خارجی همراه با هزینه‌کردهای قابل‌توجه، توجیه منطقی دارد، بیان داشت: نمایشگاه و اکسپو در دنیای اقتصاد جهانی شده، یک روش پربازده جهت ارائه ظرفیت‌های اقتصادی، جلب مشارکت و پیدا کردن شرکای اقتصادی است. اکسپو دوبی که به دلیل کرونا با یک‌سال تاخیر برگزار گردید، در منطقه ما با آن عظمت برگزار شد، چرا؟ برای معرفی موقعیت اقتصادی امارات و فرصت‌های اقتصادی جهانی آن. پس برگزاری نمایشگاه‌ها و رویدادهای داخلی و خارجی، بخشی از فرآیند دیده شدن و جهانی شدن است. اما امروز آنچه از شعبده‌بازی آقایان ملاحظه می‌کنیم، چیزی به‌دست نمی‌آید. حداقل در سال جدید مناطق آزاد ۴رویداد نمایشگاهی ملی و خارجی با محوریت تمام این بسته‌های تمام نشدنی داشته‌اند؛ مگر امکان دارد در عرض چندماه بسته سرمایه‌گذاری چندین برابر شود؟! مگر این که سیستم‌های سازمانی مناطق آزاد فعلا نان را در سرهم‌بندی بسته سرمایه‌گذاری ببینند. اجازه دهید آقایان خرج کنند، لااقل دوتا جا را ببینند، معلومات مجهول خودشان را با واقعیت‌های دنیا تطبیق دهند. ولی وقتی نمایشگاه‌ها به‌جای عرضه توانمندی‌های تولیدی و صادراتی مناطق آزاد، تبلیغ زیرساخت‌های موجود، امتیازات قانونی و... بسته‌بازی باشد؛ از آن رویداد چیزی جز چند خبر، چند فریم عکس دوستان و گشت و گذار عوامل نمایشگاه در نمی‌آید. این آمارهایی هم که اعلام می‌کنند، آنقدر بزرگ و عجیب است که مخاطب با پی بردن به عمق قضیه، به نتایج برنامه واقف می‌شود. خلاصه خدا عاقبت ما را با این دوستان خیر کند. ان‌شاالله.

یادداشت

تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با توسعه صنایع دریایی

یادداشت:
حسین مرادی
کارشناس مناطق آزاد

درحالی که بحران‌های گوناگون جهانی و منطقه‌ای و تحولات خارج از اختیار مسئولان درحال افزایش است و تصمیم‌گیری برای مدیران حوزه‌های مختلف اقتصادی و صنعتی با مشکلات فراوانی همراه است؛ تکیه بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تنها گزینه‌ای است که می‌تواند تامین‌کننده رشد پویا و مبتنی‌بر زیرساخت‌های گسترده و منابع غنی و استعدادهای درونی کشور گردد.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که با هدف بهبود شاخص‌های اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ساله و با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درونزا، پیشرو و برونگرا تدوین و از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده؛ چراغ روشنی است که باید فراروی تمام مسئولان و تصمیم‌گیران کشور قرار گیرد.

تاکید بر تولید محصولات و خدمات راهبردی، افزایش اشتغال، رشد بهره‌وری، تقویت رقابت‌پذیری، کاهش وابستگی به سایر کشورها و افزایش صادرات را می‌توان در زمره مهم‌ترین مولفه‌های سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برشمرد. بر همین اساس می‌توان لزوم توجه به صنایع دریایی را در چارچوب این سیاست‌ها قلمداد نمود.

صنایع دریایی به دلیل داشتن شرایط خاص، در رقابت با تولیدکنندگان معتبر بین‌المللی بوده و از این نظر در کشور دارای شرایط منحصربه‌فردی است. تولیدات اندکی در کشور وجود دارد که از نظر عواملی همچون کیفیت، زمان و قیمت محصولات، در رقابت با تولیدکنندگان رده اول جهانی است. از سوی دیگر، این محصولات در بین سایر کشورها که در زمره محصولات راهبردی شناسایی شده، مورد حمایت کامل دولت‌ها قرار گرفته و از راه‌های مختلف، بازار خرید این محصولات، توسط دولت‌ها حمایت می‌گردد.

متاسفانه در شرایطی که صنایع دریایی از ده‌ها سال قبل به عنوان صنایع استراتژیک در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورها جایگاه مشخص و ویژه‌ای را پیدا نموده‌اند، اما هیچگاه این صنایع در کشور ما به صورت جامع موردتوجه قرار نگرفته است. اقدامات صورت گرفته در بسیاری از موارد ناشی از همت و شناخت موردی و موضعی اشخاص بوده و حرکت‌های انجام شده، پس از جابه‌جایی اشخاص، مغفول و معطل مانده‌اند. از طرف دیگر جزیره‌ای بودن و عدم جامعیت اقدامات صورت گرفته را باید به عنوان دلیل دیگری بر توقف این اقدامات در نظر گرفت.

به عنوان نمونه می‌توان به قانون حمایت از توسعه صنایع دریایی اشاره نمود. این قانون در نتیجه اقدامات و پیگیری‌های جمعی از متخصصان صنایع دریایی در دهه ۱۳۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به رغم تصویب آیین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۳۸۸، متاسفانه تاکنون بخش‌های زیادی از این قانون همچنان اجرایی نشده است. به عبارت دیگر، تجربه قانون فوق و سایر اقدامات مشابه نشان داده تا زمانی که اهمیت صنایع دریایی به عنوان یک صنعت راهبردی، در باور دولتمردان کشور نهادینه نگردد، همچنان باید شاهد معطل ماندن ظرفیت‌های عظیم کشور در این صنعت باشیم. بدون تردید باور فوق، تنها از طریق شناخت نسبت به اهمیت و تاثیر صنایع دریایی در پیشبرد اهداف دولت حاصل خواهد شد.

بنابراین ضروری است نقش و اهمیت صنایع دریایی در گسترش اهداف کلان توسعه کشور در حوزه‌های فعال نمودن ظرفیت‌های معطل مانده تولیدی، استفاده از فرصت‌های بین‌المللی، محرومیت‌زدایی از مناطق ساحلی، ارتقای ظرفیت‌های موجود در سواحل مکران، فراهم کردن زمینه‌های توسعه اقتدار دریایی و فراهم نمودن فرصت‌های شغلی، مورد عنایت و شناسایی دولتمردان قرار گیرد.

تخصیص سهم صنایع داخلی از بازار نیاز کشور به محصولات صنایع دریایی، تاثیر بسزایی در ایجاد اشتغال به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی خواهد داشت. براساس برنامه راهبردی صنایع دریایی در افق ۱۴۰۴، با سرمایه‌گذاری مناسب در صنایع دریایی می‌توان سالانه ۲۱هزار شغل پایدار ایجاد نمود. با عنایت به اینکه اشتغال هر نفر در صنایع کشتی‌سازی، موجب اشتغال حدود ۳نفر در صنایع مرتبط خواهد شد؛ فعال کردن ظرفیت‌های موجود در صنایع دریایی، سالانه در حدود ۸۰هزار شغل ایجاد خواهد نمود.

ایجاد اشتغال در سواحل جنوبی کشور به‌ویژه سواحل مکران، موجب محرومیت‌زدایی در این مناطق بوده و با ارتقای سطح کیفی زندگی در این نقطه از ایران، امنیت سواحل را نیز افزایش می‌دهد. اختصاص بخشی از بازار کشور به محصولات دریایی در حوزه‌های تجاری به صنایع دریایی داخلی و فعال‌سازی ظرفیت‌های موجود، می‌تواند سبب اشتغال بسیاری از متخصصان و کارشناسان باشد.

نقش توسعه صنایع دریایی در تحقق اهداف مشخص شده در اقتصاد مقاومتی، با در نظر گرفتن رشد اشتغال پایدار و جلوگیری از خروج ارز و توسعه صنایع جانبی قابل مشاهده است. بی‌شک فعال کردن ظرفیت‌های موجود در صنایع دریایی در جهت پیشبرد اهداف زیربنایی دولت بوده و زمینه‌های توسعه دریامحور، رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌های خارجی در صنایع داخلی را فراهم خواهد نمود.

صنایع دریایی با بهره‌گیری از زیرساخت مناسب، نیروی کار ارزان و بازار مناسب محصولات در داخل کشور، توانایی ارزش‌آفرینی براساس مبانی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را خواهد داشت.

در پایان، برخی از راهکارهای پیشنهادی به منظور توسعه صنایع دریایی و تحقق اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به شرح ذیل است:

- در نظر گرفتن صنایع دریایی به عنوان صنایعی راهبردی در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی.
- برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف مشخص شده در سند جامع توسعه دریایی کشور.
- تخصیص بخشی از بازار نیاز داخلی ساخت و تعمیر شناور به سازندگان داخلی.
- تامین مالی و تسهیل ساخت و تامین مواد و تجهیزات و موردنیاز محصولات صنایع دریایی.
- استفاده از فرصت رکود در صنایع دریایی به منظور جلب همکاری کشتی‌سازان مطرح و انتقال دانش فنی پیشرفته به کشور.

نگاهی به جاذبه‌ها و ظرفیت‌های مناطق آزاد در جهت توسعه گردشگری ورزشی:

توریسم ورزشی، مزیت منحصر به‌فرد و مغفول مانده در مناطق آزاد ایران

گزارش:
الهه خدری

صنعت ورزش، رشد سریعی را در دهه‌های اخیر داشته است، تا جایی که درحال حاضر ورزش از اصلی‌ترین رویدادهای اجتماعی جهان محسوب می‌شود و مشارکت افراد در آن سبب توسعه اجتماعی، شناختی، روانی و تناسب اندام می‌شود که گردشگری عمده‌ترین بخش اقتصادی آن را تشکیل می‌دهد؛ به طوری که قرن بیست‌ویکم، سده بهره‌گیری از فرصت‌های ارزشمند در بخش خدمات خصوصا گردشگری است و فعالیت گردشگری، امروزه از مهم‌ترین و پویاترین فعالیت‌ها در جهان و در همه عرصه‌ها می‌باشد و چه در مقیاس جهانی و چه در اشل ملی و منطقه‌ای موردتوجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است.

گردشگری ورزشی، صنعتی به نسبت جدید و از سریع‌ترین بخش‌های درحال رشد در صنعت گردشگری است که بر برنامه‌ریزی مقصد در کشورهای درحال توسعه تمرکز دارد و از عوامل بازسازی اقتصادی و اجتماعی جوامع شهری و روستایی به‌شمار می‌رود.

گردشگری ورزشی، یکی از زیرمجموعه‌های صنعت توریسم است که شامل سفر کردن به مناطق مختلف جهان به منظور شرکت کردن در یک رویداد و مسابقه ورزشی و یا تماشای فعالیت ورزشی می‌باشد. برگزاری هر کدام از مسابقات و رویدادهای ورزشی، فرصت مناسبی را برای سرمایه‌گذاری و میزبانی و به‌تبع آن، رشد اقتصادی آن نقطه را در پی دارد. به همین دلیل، گردشگری ورزشی، صنعت روبه رشدی بوده و همه کشورها تلاش می‌کنند تا پیش‌زمینه‌های این صنعت سودآور را در کشورشان فراهم نمایند.

امروزه در دنیا یکی از راهکارهای جذب توریسم، از مسیر ورزش است؛ برگزاری تورنمنت‌ها، مسابقات و برنامه‌های تفریحی و ورزشی در اقصی نقاط دنیا یکی از محورهای درآمدزایی از صنعت گردشگری تلقی می‌گردد.

در این میان، شرکت‌های مطرح در دنیا حضوری فعال در عرصه‌های برپایی نمایش‌های ورزشی جذاب و پرمخاطب در اقصی نقاط جهان در جهت معرفی و برندسازی خود دارند که از نمونه‌های مطرح این مدل برنامه‌ها می‌توان به شرکت‌های آدیداس و نایکی اشاره کرد که برنامه‌های ورزشی بسیار هیجان‌انگیزی را در کشورهای مختلف با استفاده از ظرفیت‌های طبیعی هر منطقه برای معرفی و جهانی‌سازی برند خود برگزار می‌کند.

کشور ما نیز با داشتن ظرفیت‌های منحصربه‌فرد گردشگری می‌تواند یکی از نقاط هدف برای توسعه گردشگری ورزشی باشد؛ اما از آنجایی که این بخش، نیاز به زیرساخت‌های مختص به خود را دارد و متاسفانه در این حوزه با عقب‌ماندگی‌های شدیدی در کشور مواجه هستیم؛ شاید بهترین بستر و محل برای ایجاد زیرساخت‌های ورزشی ازجمله ورزشگاه‌ها و اماکن اقامتی، مناطق آزاد هفتگانه باشند؛ چراکه یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌هایی که مناطق آزاد در مسیر توسعه و ارتقاء گردشگری دنبال می‌کنند، برپایی تورنمنت‌ها و مسابقات بین‌المللی است که می‌تواند در جذب گردشگران از نقاط مختلف دنیا به این ظرفیت بزرگ کمک کند.

بی‌شک مناطق آزاد ایران با عنایت به تنوع محیطی و آب و هوایی و همچنین بسترهای بکر و زیبای طبیعی می‌توانند در مسیر ایجاد زیرساخت‌های مختلف در حوزه گردشگری ورزشی نقش‌آفرینی کنند و در کنار برگزاری موفق این قبیل رویدادها؛ ظرفیت‌های گردشگری مناطق به گردشگران سراسر دنیا معرفی گردد.

ارزآوری و اهمیت توسعه توریسم ورزشی در کشور

به منظور درک اهمیت توریسم ورزشی، بهتر است مثالی بزنیم. فرض کنیم قرار است یک تورنمنت بین‌المللی ورزشی در ایران برگزار شود؛ اگر قرار باشد در این تورنمنت ۱۶تیم شرکت داشته باشند و برای هر تیم تنها ۱۰هزار نفر تماشاچی راهی ایران شوند، بیش از ۱۵۰هزار نفر وارد کشور می‌شوند تا بازی‌های این تورنمنت فرضی را از نزدیک تماشا کنند.

آنها با ورودشان به ایران اگر روزی تنها ۱۰۰دلار هزینه کنند و مدت این تورنمنت فرضی ۳۰روز باشد، چیزی بیش از ۴۵۰میلیون دلار درآمد نصیب کشورمان خواهد شد و این البته تنها بخش کوچکی از درآمدهای اقتصادی ناشی از یک تورنمنت بین‌المللی ساده و کوچک خواهد بود و تاثیرات دیگر این ماجرا خودش هفت من مثنوی می‌طلبد.

گردشگری ورزشی درحال حاضر یکی از بخش‌های مهم ورزش در جهان محسوب می‌شود. در رویدادهای جذاب، مردم با فرهنگ و قابلیت‌های کشورهای میزبان آشنا می‌شوند و این موضوع می‌تواند به طور خاص در کشورهای اسلامی هم دنبال گردد.

همچنین کشورهای مسلمان همانند ایران اسلامی می‌توانند با برگزاری و تعریف برنامه‌های ورزشی مشترک، قابلیت‌های خود را در سراسر دنیا معرفی کرده و در نهایت گردشگری خود را رونق دهند. در اواخر قرن۱۹ گسترش رویدادهای ورزشی زمینه رشد توریسم را به‌ویژه در کشورهای غربی فراهم کرد. اکنون نیز کشورهای اسلامی توانسته‌اند با استفاده از این قابلیت، گردشگران را به خود جلب کنند؛ زیرا مسابقات ورزشی این چنینی می‌تواند به رونق اقتصادی و تبادل فرهنگ‌ها منجر شود و برای مردم محلی نیز مفید خواهد بود؛ همچون برگزاری رویداد عظیم جام‌جهانی فوتبال در کشور قطر.

با این همه، توسعه توریسم ورزشی در ایران اما و اگرهایی دارد که پرداختن به آنها ضروری است. یکی از اینها، نداشتن برنامه استراتژیک برای گردشگری و گردشگری ورزشی در ایران است که موجب شده در کشورمان تعریفی معین و مشخص از گردشگری ورزشی با توجه به قابلیت‌های آن نداشته باشند.

دکتر شاهرخ علامه عضو هیات علمی دانشگاه آزاد، با تاکید بر اهمیت تدوین طرح جامع گردشگری ورزشی، یکی از موارد رشدنیافتگی این بخش در میان فدراسیون‌ها را نبود برنامه جامع می‌داند و می‌گوید: نداشتن سیاست واحد برای پیشبرد گردشگری ورزشی در کشور سبب شده است بخش‌های مختلف ورزشی تک‌بعدی و منفرد برنامه‌های خود را پیش ببرند.

علامه همچنین تعاریف گردشگری ورزشی را برآمده از فرهنگ هر کشور عنوان می‌کند و می‌افزاید: نداشتن فرهنگ و برنامه‌ریزی استراتژیک برای گردشگری و گردشگری ورزشی سبب شده است ایران تعریفی از گردشگری ورزشی خود با عنایت به قابلیت‌هایش نداشته باشد.

وی با اعلام این که گردشگری در دودهه آینده صنعت اول جهان خواهد بود، می‌گوید: ایران نتوانسته از قابلیت‌های گردشگری خود برای رشد فرهنگ و اقتصاد خود بهره ببرد.

توریسم ورزشی در برخی از کشورهای جهان چنان دارای اهمیت است که در برخی از آنها فعالیت‌های مربوط به توریسم و ورزش در قالب یک وزارتخانه ویژه، امور مربوطه را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند. حال با در نظر گرفتن مطالب عنوان شده و با مطالعه سیاست‌های عمومی (کلان) می‌توانیم بسیاری از موضوعات مهم را مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

بنابر عقیده بسیاری از کارشناسان صنعت گردشگری، توریسم دانشی چندرشته‌ای است که اگر بدون انسجام تجزیه و تحلیل سیاسی دقیق، توسعه و تکامل یابد؛ قطعا کامل نمی‌گردد. یکی از این رشته‌ها، توریسم ورزشی و یا به بیانی دیگر گردشگری ورزشی است.

موضوعی تلفیق شده از دو صنعت جذاب ورزش و گردشگری؛ صنعتی که بسیاری از کشورهای دنیا سرمایه‌گذاری‌های کلان را برای توسعه آن انجام می‌دهند؛ چراکه اثرات ورزش و جهانگردی بر اقتصاد کشورها تاثیرگذار است.

بنابراین با وجود اختلاف ظاهری ورزش و گردشگری، باید به قرابت بیش‌ازپیش این دو مقوله به یکدیگر اذعان داشت؛ زیرا با توجه به ۳عنصر مهم توریسم یعنی جاذبه‌های فرهنگی، طبیعی و ورزشی که به عبارتی سه موتور توسعه پایدار محسوب می‌شوند، رشد قابل‌توجه توریسم در ۵۰سال گذشته یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی در قرن بیستم بوده است.

روندهای موجود در گردشگری طی یک‌دهه گذشته نشان داده‌اند که گردشگری ورزشی درحال حاضر بخش بسیار بزرگی از بازار جهانی گردشگری را به خود اختصاص داده و با رشد چشمگیر آن، سازمان جهانی گردشگری معتقد است گردشگری ورزشی هم‌اکنون یک بازار درحال ظهور است.

بسیاری از کشورها این صنعت پویا را منبع اصلی درآمد، اشتغال‌زایی، رشد بخش خصوصی و توسعه زیرساخت‌ها می‌دانند. براساس آمار منتشر شده در کشورهای مختلف حدود ۲۰ تا ۳۰درصد گردشگران، ورزش را دلیل اصلی سفر خود عنوان می‌کنند و بیش از نیمی از سفرهای تعطیلات، سفرهایی است که ورزش نیز از اهدافشان است. از این‌رو، گردشگری ورزشی یک بخش درحال توسعه گردشگری است که با توجه به آمار، حدود ۳۲درصد از توفیقات و دستیابی‌های جهانی گردشگری را به خود اختصاص داده است. بنابراین گردشگری و ورزش دو جزء حیاتی از اقتصاد جهانی‌اند که تاثیر شگرفی بر جامعه امروز دارند.

نکته مهم در گردشگری ورزشی، تغییر نگرش صرفا ورزشی به رویدادهای ورزشی است؛ زیرا در همه این رویدادها در سطوح مختلف، فرصت‌هایی نهفته است که افزایش منافع اقتصادی را ازجمله اشتغال‌زایی در پی دارد. از منظر اقتصادی، مسابقات ورزشی، علی‌رغم تحمیل هزینه‌ای سنگین برای میزبان در ابتدای امر، به دلیل جلب افکار عمومی و جذب هرچه بیشتر گردشگر در آینده، عامل و انگیزه‌های قوی است و متقاضیان فراوان دارد.

از سوی دیگر فرار انسان‌ها از زندگی ماشینی و تمایل به انجام فعالیت‌های ورزشی و تفریحی در طبیعت، بستر مناسبی را برای سرمایه‌گذاری در صنعت توریسم فراهم آورده. بنابراین قرن۲۱ قرن برداشتن گام‌های طلایی برای حفاظت از طبیعت، معنویت و سلامت است و در این راستا جوامع انسانی و همچنین بانوان نقش بسیار سازنده‌ای به سوی آینده خواهند داشت.

توریسم و توریست ورزشی چیست؟

مشارکت در حرکت‌های مختلف ورزشی فعال و یا غیرفعال از طریق سازماندهی عوامل اقتصادی-تجارتی از کشور مبدأ به کشور مقصد و سفرهای پیش آمده در این میان را توریسم ورزشی می‌نامند.

توریست ورزشی شخصی است که توسط یک تور ورزشی از رشته ورزشی مورد دلخواه، به عنوان تماشاچی همانند بازی‌های آسیایی، جهانی، بازی‌های المپیک و یا از بازی‌های ویژه بانوان بازدید نموده و یا تمایل دارند در رویدادهای ورزشی مشارکت نمایند.

توریست‌های ورزشی می‌توانند براساس اهداف ورزشی به ۳طبقه تقسیم شوند:

الف) مشارکت‌کنندگان در رویداها (ورزشکاران)؛
ب) تماشاچیان ورزشی؛
ج) عاشقان ورزشی؛

مشارکت‌کنندگان ورزشی به آن دسته از اشخاص گفته می‌شود که هدف از سفر آنها مشارکت در رویدادهای ورزشی سازماندهی شده باشد (رقابتی یا غیررقابتی).

تماشاچیان، آن دسته از افرادی هستند که هدف از سفر برای آنها حضور در رویدادهای ورزشی است.

عاشقانه ورزشی آن دسته از اشخاص هستند که هدف از سفر برای آنها حضور در رویدادهای ورزشی است که خود تدارکات آن را مهیا ساخته‌اند.

با توجه به منابع موجود در کشور می‌توان راه را برای توسعه این صنعت گشود و همچنین با عنایت به رشد جمعیت برای غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان، بانوان و خانواده‌ها، برنامه‌ریزی‌های بسیار انجام داد؛ زیرا ایران با گستردگی خاک خود امتیازات طبیعی و ورزشی بی‌شماری دارد و قادر است برای جذب گردشگران ورزشی مطرح باشد.

در این میان آنچه که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، جاذبه‌های گردشگری متعدد ایران است که به گواه همه کارشناسان گردشگری داخلی و خارجی، کشور ما را در ردیف ۱۰کشور پرجاذبه دنیا قرار داده است و برگزاری تورنمنت‌های رده بالای جهانی می‌تواند کارکرد بسیار موثری در شناخته شدن هر چه بیشتر این جاذبه‌ها داشته باشد.

در این باره یکی از کارشناس حوزه گردشگری ورزشی کشور و استاد دانشگاه با اشاره به محور قرار گرفتن ایران در کمیته بین‌المللی گردشگری ورزشی می‌گوید: برای جلب‌نظر کشورهای دنیا به توریسم کشورمان، ضروری است به صورت حرفه‌ای وارد این مقوله شویم که تشکیل کمیته بین‌المللی ورزشی و در کنار آن برپایی همایش‌های بین‌المللی زمینه تعاملات بیشتری را در عرضه بین‌الملل برای کشور و صنعت گردشگری ما به ارمغان خواهد آورد.

دکتر جلال علیزاده که در زمینه جذب گردشگران بین‌المللی فعال است، درباره پتانسیل‌های موجود در کشورمان برای توریسم ورزشی می‌گوید: قاعدتا در مورد توریسم ورزشی، ما امکانات زیادی به شکل طبیعی در اختیار داریم. وقتی ما راجع‌به توریسم ورزشی صحبت می‌کنیم، نگاه همه ما متوجه پیست‌های اسکی است که می‌تواند زمینه خوبی برای توسعه فعالیت‌های ورزشی زمستانی باشد؛ یا نوعا فعالیت‌هایی که تاکید آن بر استفاده از منابع آبی است، مانند ورزش قایقرانی. چنین پتانسیل‌هایی در کشور ما وجود دارد و همین طور فعالیت‌هایی که به شکل سازمان یافته در قالب فعالیت‌های ورزشی در رودخانه‌ها و آبراه‌ها می‌تواند شکل بگیرد. اینها همه فرصت‌های خوبی در اختیار می‌گذارد که در فصول مختلف از این پتانسیل‌ها می‌توان بهره‌های بیشتری گرفت. می‌توانیم این موضوع را در نظر بگیریم که بسیاری از تیم‌های ورزشی همچون تیم‌های فوتبال، اردوهای خودشان را در فصول مختلف در کشورهای مختلفی برگزار می‌کنند.

وی می‌افزاید: به عنوان مثال ایران به دلیل تنوع آب و هوایی، می‌تواند این امکان را در اختیار بسیاری از تیم‌های آسیایی و اروپایی قرار دهد تا آنها بتوانند اردوهایشان را در ایران برگزار کنند؛ مشروط بر این که از نظر زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری‌های مناسب صورت گیرد و به نوعی زمینه جذب این تیم‌ها فراهم شود. شما می‌دانید در ترکیه سرمایه‌گذاری‌های بسیار خوبی در زمینه ایجاد اردوهای ورزشی صورت گرفته و ترکیه مقصد مهمی برای ایجاد اردوهای تیم‌های ورزشی محسوب می‌شود. طبیعی است که در کشور ما هم چنانچه مدنظر است از پتانسیل‌های موجود در حوزه توریسم ورزشی بهره‌گیری شود. قاعدتا باید شرایط و فضای مناسب برای آن فراهم شود.

این کارشناس حوزه ورزش می‌گوید: ورزش، زمینه بسیار خوب و مناسبی برای جذب و توسعه توریسم است.

وی ادامه می‌دهد: اهمیت توریسم در منطقه و جهان مسئله بسیار مهمی است و اکنون شاهد تبلیغات وسیع کشورهای آسیایی کوچک و منطقه برای جذب توریسم هستیم. ما نیز با توجه به منابع و ارزش‌های کشور خود در زمینه جذب توریسم باید گام‌های بسیاری برداریم.

علیزاده در پایان خاطرنشان کرد: باید مهمانان ورزشکاران خارجی را که برای مسابقه‌ها به ایران می‌آیند، تبدیل به توریسم ورزشی کنیم و همچنین به ورزشکاران خود الزام کنیم تا در مسابقه‌ها برون‌مرزی ضمن آشنایی با آداب و سنن آن کشورها، فرهنگ خود را معرفی نمایند.

سخن پایانی

توجه به امکانات و زیرساخت‌های موجود در هر کشور، از نکات مهم و کلیدی است که هرگز نباید مورد غفلت واقع شود. در کشور پهناور ما نیز در کنار هزاران نوع جاذبه جهانگردی و تاریخی که وجود دارد و موجب افتخار ایران و ایرانی است، از لحاظ پتانسیل‌های لازم جهت راه‌اندازی فعالیت‌های مختلف ورزشی در سطح ایده‌آل و مطلوبی قرار داریم؛ به نحوی که متاثر از ظرایف متنوع اقلیمی، توانایی راه‌اندازی و ایجاد سایت‌های بسیار عظیم و مجهز ورزشی در کشور و در نقاط مختلف وجود دارد. اما عملکرد ضعیف برخی از مدیران نشان‌دهنده آن است که ما در اجرای مواردی از برنامه‌های ورزشی بسیار نامطلوب عمل کرده‌ایم و حتی در مواردی برنامه‌ریزی نداشته و نداریم که مدیریت ورزش کلان کشور باید به این امر توجه وافری نماید.

به هر حال برگزاری تورنمنت‌های ورزشی آن هم در سطوح بالای بین‌المللی و تحولات عظیم و مثبت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ورزشی که برای کشور میزبان به ارمغان می‌آورد، به قدری برای کشورهای توسعه یافته و مترقی اهمیت دارد که بسیاری از دولتمردان این کشورها برای به دست آوردن میزبانی رقابت‌هایی همچون المپیک، جام‌جهانی و مسابقات منطقه‌ای و قاره‌ای به انواع راه‌ها و روش‌ها متوسل می‌شوند؛ تا جایی که حتی حاضرند از راه‌های غیرقانونی نیز برای رسیدن به این موفقیت استفاده نمایند.

دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی اظهار داشت:

گسترش مراودات اقتصادی و گردشگری مناطق آزاد ایران با اقلیم کردستان عراق

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی، از گسترش مراودات اقتصادی و گردشگری مناطق آزاد ایران با اقلیم کردستان عراق خبر داد.

حجت‌الله عبدالملکی در کنفرانس خبری با رسانه‌های عراق که به مناسبت برگزاری نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع‌دستی در شهر سلیمانیه اقلیم کردستان عراق برگزار شد، افزود: مناطق آزاد ایران در مرزهای کشور مستقر هستند و با اضافه شدن مناطق آزاد جدید، ۴منطقه آزاد هم‌مرز با عراق خواهیم داشت.

وی با اشاره به منافع مشترک ایران و عراق در گسترش مراودات اقتصادی اظهار کرد: به دلیل قرابت فرهنگی ایران و اقلیم کردستان و امنیت خوب دو کشور، بهره‌گیری از ظرفیت‌های توریستی همدیگر می‌تواند توسعه گردشگری و رشد اقتصادی را به‌دنبال داشته باشد.

مشاور رئیس‌جمهور همچنین از تبادل اقتصادی ۶میلیارد دلاری ایران با اقلیم کردستان خبر داد و گفت: سیاست قطعی جمهوری اسلامی ایران، تقویت مراودات اقتصادی با کشورهای همسایه است.

عبدالملکی ادامه داد: هدف دوم ما از سفر به کردستان عراق، معرفی ۱۳۰بسته و فرصت سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری در مناطق آزاد هفتگانه به ارزش حدود یک میلیارد یورو است.

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی با اشاره با رونمایی ۷۰۰بسته فرصت سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد طی ماه‌های اخیر، خاطرنشان کرد: معرفی جاذبه‌های تاریخی و گردشگری مناطق آزاد هفتگانه ایران در نمایشگاه بین‌المللی گردشگری سلیمانیه عراق، در تبادل گردشگر و جذب سرمایه‌گذاران در حوزه گردشگری به مناطق آزاد ایران مفید واقع خواهد شد.

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی عنوان کرد:

جمهوری اسلامی متضمن موفقیت سرمایه‌گذاران خارجی در مناطق آزاد ایران

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی گفت: جمهوری اسلامی ایران متضمن موفقیت سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی خارجی در مناطق آزاد هفتگانه ایران است و هرگونه سرمایه‌گذاری در این مناطق سودآور است.

حجت‌الله عبدالملکی افزود: اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اقتصاد مقاومتی و بر ۵اصل استوار می‌باشد که یکی از این اصل‌ها، برونگرایی است.

وی با اشاره به این‌که اگر همه کشورها اقتصاد قوی داشته باشند، اقتصاد جهانی قوی و خوبی را خواهیم داشت، اظهار کرد: یکی از پایه‌های برونگرایی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، ایجاد مناطق آزاد است.

مشاور رئیس‌جمهور با بیان اینکه ۲۵۰۰شرکت در مناطق آزاد ایران فعالیت می‌کنند، افزود: یکصد هزار واحد اقتصادی نیز در این منطقه درحال فعالیت و کسب و کار هستند.

عبدالملکی با بیان این‌که ۷منطقه آزاد ایران قابلیت جذب گردشگری و سرمایه‌گذاری در این حوزه را دارند، اظهار داشت: ۱۳۰بسته و فرصت سرمایه‌گذاری در این مناطق به ارزش یک میلیارد یورو آماده ارائه به سرمایه‌گذاران و پذیرش حضور آنان می‌باشند.

وی همچنین از پیگیری برای برقراری پروازهای مستقیم از مناطق آزاد به کشورهای همسایه ازجمله استان‌های عراق خبر داد و اذعان نمود: مناطق آزاد ایران سالانه پذیرای ۱۰میلیون گردشگر داخلی و خارجی هستند و برای تقویت و تسهیل مسافرت گردشگران خارجی به این مناطق، برنامه‌ریزی شده است.

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی در پایان از زحمات استاندار و مسئولین اقلیم کردستان عراق جهت برقراری نمایشگاه گردشگری و نیز آماده‌سازی اقلیم برای تردد زائران کربلا تشکر کرد.

ضرورت مداقه بر حوزه صنایع‌دستی در جهت افزایش صادرات و تولید ناخالص ملی:

توسعه اقتصاد صنایع‌دستی و ایجاد اشتغال پایدار برای جوامع محلی در مناطق آزاد

گزارش:
فرزانه جعفری

صنایع‌دستی، هنری برخاسته از جان، آمیخته با هویت، تاریخ، فرهنگ، آداب و آیین‌های هر منطقه است که به زیباترین شکل ممکن کیفیت و سبک زندگی هنرمند سازنده خود را هویدا می‌کند. دستمایه‌ای ظریف برای تعریفی عمیق از هر بوم با تمام جزییات نهفته در آن، با چاشنی خیال و طعم زندگی.

صنایع‌دستی روایتگر پیوندهایی است که آدمی گهگاه در کشاکش روزمرگی و غنودگی در زندگی ماشینی بر آن رخت فراموشی پوشانیده است. پیوندهایی که خطوط نگارین دست‌های پررمز و راز هنرمندان با خلق یک اثر هنری میان ما و پیش و پس از ما می‌آفرینند و به یاد ما می‌آورند که تعریف کنونی از زندگی، تنها نگاهی است از یک روزنه به جهانی فراخ و گسترده که چیزی جز نوری بسیار کم‌رمق نصیب ما نخواهد کرد.

شاهکار هنرمند ایرانی نبوغ و خلاقیتی است که در کمال ظرافت و بداعت توسط هنرمند بیان می‌شود؛ خلاقیتی که تصویر ذهن هنرمند را در قالب نقوش زیبایی بر روی فلز، سفال و آبگینه یا تار و پود دست بافته‌ای گرانمایه و بسیاری دیگر به تصویر می‌کشد.

در صنایع‌دستی این مرز و بوم، ذوق هنری، بردباری، وسواس، ریزه‌کاری و فنون هنری بسیاری دیده می‌شود، به نحوی که رشته‌های اسرارآمیز را در غالب تصویر یک زندگی نهفته در دل خود جای داده است، یک زندگی همراه با شوق و زیبایی.

صنایع‌دستی علاوه بر بُعد هنری خود، از دیرباز عامل ایجاد اشتغال و درآمد بیشتر در مناطق روستایی و عشایری و همچنین برخی شهرنشینان بوده و امروزه نیز به رغم گسترش محصولات صنعتی در همه کشورها، صنایع‌دستی نه تنها ارزش خود را از دست نداده است، بلکه هر روز بیشتر موردتوجه قرار می‌گیرد.

امروزه صنایع‌دستی کارکردهای جدیدی پیدا کرده و صرفا برای رفع نیازهای روزمره زندگی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؛ بلکه سمبل و نشان‌دهنده فرهنگ، پیشینه و تاریخ یک ملت است. از این روی تولید صنایع‌دستی در عصر کنونی بیشتر جنبه انتقال فرهنگ‌های مختلف را دارد.

اهمیت این مبحث در دنیای کنونی به حدی زیاد است که مجامع مختلف، برنامه‌های ساختاری متنوعی برای نهادینه شدن شاخص‌های آن در نظر گرفته و صنایع و حوزه‌هایی که به تحقق اهداف انتقال فرهنگ و هنر و رشد و رونق اقتصادی در جوامع کمک می‌کنند، بیش از گذشته مورد تاکید قرار می‌دهند.

با توجه به ماهیت این اهداف و قیاس آن با قابلیت‌های صنایع‌دستی ایران، به نظر می‌رسد که امکان خوبی برای محقق کردن آنها از رهگذر توسعه و تاکید بیشتر بر صنایع‌دستی مهیا شود؛ چراکه اشتغال و توانمندسازی اقتصادی این هنر و صنعت کهن، هم می‌تواند منجر به ارتقاء رفاه زندگی و رشد اقتصادی پایدار برای جامعه گردد.

به‌دنبال تعریف صنایع‌دستی به عنوان صنعتی پاک و اثرگذار در توسعه اقتصاد و گردشگری، ایجاد فرصت تعامل بین هنرمندان مناطق مختلف کشور در قالب رویدادهایی نظیر نمایشگاه‌های ملی که گسترش ارتباط هنری و ارائه رویکرد عام‌تر و کاربردی‌تر صنایع‌دستی را تسهیل می‌کند، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و جزئی از الزامات توسعه این صنایع به‌شمار می‌آید. برگزاری نمایشگاه‌های صنایع‌دستی علاوه‌بر ایجاد موج رونق در تولیدات هنرمندان؛ زمینه مناسب را در راستای تعامل مابین هنرمندان و جامعه مخاطب فراهم خواهد ساخت که به‌تبع آن تبدیل دست‌آفریده هنری از یک کالای صرفا تزئینی به یک کالای کاربردی، رونق تولید و اشتغال در این زمینه را به همراه خواهد داشت.

امروز با وجود تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی، شاهد هستیم که از این فرصت به خوبی استفاده نمی‌شود و توریست‌های کمی به ایران می‌آیند و با وجود تورم، اولویت اول مردم کشورمان نیز تامین کالاهای اساسی است و این شرایط مضایق زیادی را برای دست‌اندرکاران هنرهای سنتی ایجاد کرده است؛ گردشگران نمی‌آیند و مردم علاقه‌مند نیز توان خرید ندارند و در این بین آنچه که می‌تواند یک دست‌اندرکار هنر را به استمرار و روشن نگه داشتن چراغ این نوع کسب‌وکار حفظ کند، علاقه است و عشق و نه چیز دیگر.

معرفی درست و دقیق هنرهای سنتی و صنایع‌دستی نیازمند تحقیق و پژوهش است؛ چراکه ایران جز سه کشور برتر دنیا در حوزه تنوع صنایع‌دستی است که این موضوع جایگاه فرهنگی کشورمان را ارتقا می‌بخشد.

ثبت جهانی صنایع‌دستی موجب رونق صنعت گردشگری است و باید علاوه‌بر فروش صنایع‌دستی در بازارهای داخلی و ایجاد درآمد و اشتغال برای هنرمندان، به‌دنبال حضور صنایع‌دستی ایران در بازارهای جهانی باشیم.

بی‌تردید نقش جوامع محلی در خلق این هنرهای جاودانه در نقاط مختلف کشور خصوصا مناطق آزاد بسیار مهم و حیاتی است؛ جوامع عمدتا محروم و آسیب‌پذیر در مناطقی مرزی که همانند شاهرگ‌هایی طلایی هستند که پس از شناسایی و حمایت‌ها می‌توانند گنجینه‌هایی ارزشمند از هنر، فرهنگ و تمدن ایران زمین را در کالبد آثاری شگرف به جهانیان عرضه کنند.

با توجه به بافت مناطق آزاد کشور و وجود جوامع محلی با فرهنگ‌ها و سنت‌های مختلف در این مناطق؛ صنایع‌دستی یکی از بزرگترین ظرفیت‌ها به‌حساب می‌آید که با توجه به قرارگیری صنایع‌دستی در حوزه صنایع خلاق می‌توان نگاه اقتصادی کلانی به این عرصه از هنر مردان و زنان هنرمند مناطق آزاد داشت.

ایجاد اشتغال، کسب درآمدهای پایدار، توانمندسازی جوامع محلی، به همراه افزایش تعداد گردشگران ورودی به مناطق آزاد، جملگی می‌تواند با توجه ویژه به حوزه صنایع‌دستی محقق گردد؛ که این امر نیازمند یک طرح کارشناسی در کنار مشوق‌ها و حمایت‌های سازمان‌های مناطق آزاد می‌باشد.

تاثیرگذاری صنایع‌دستی در افزایش تولید ناخالص داخلی

کشور ما از دیرباز همواره مهد تمدن و فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی بوده و در طول سالیان متمادی، ذوق و هنر مردمان این خطه در قالب صنایع‌دستی بی‌بدیل موجود در شهرها و روستاهای این کشور تجلی یافته است؛ اما در عصر حاضر توجه به صنایع‌دستی نه تنها به‌واسطه ارزش هنری و فرهنگی آن به عنوان معرف آداب و رسوم و هنر هر کشور، بلکه بیش از آن به دلیل منافع و مزایای فراوان اقتصادی موجود در این بخش مورد توجه بسیاری از کشورهای درحال توسعه و حتی توسعه یافته قرار گرفته است.

وجود ویژگی‌های منحصربه‌فرد حوزه صنایع‌دستی در توسعه و رشد اقتصادی کشورها، سبب ورود رقیبان قدرتمندی ازجمله چین، هند، ترکیه و... به این بازار شده و متاسفانه با بی‌توجهی مسئولین در سال‌های گذشته بسیاری از موقعیت‌های اقتصادی موجود برای کشورمان از میان رفته است؛ چراکه حضور و پیشرفت در این عرصه و در سطح بین‌المللی نیاز به برنامه‌ریزی و ایجاد زیرساخت‌هایی داشته که با غفلت از این بخش مهم و تاثیرگذار، فرصت‌های گرانقدری از دست رفته است.

صنایع‌دستی در عرصه اقتصادی کشورمان با توجه به تنوع رشته‌های فعال این حوزه و ظرفیت‌های فراوان در این بخش، می‌تواند نقش ویژه‌ای را ایفا کند و به‌خصوص درصد بیشتری از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص دهد.

در مفهوم اقتصادی، تولید ناخالص داخلی به ارزش مجموع کالاها و خدماتی اطلاق می‌گردد که طی یک دوران معین، معمولا یک‌سال، در یک کشور تولید می‌شود. به عبارت دیگر تولید ناخالص داخلی، ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی است که در داخل مرزهای یک کشور در یک دوره زمانی مشخص، تولید می‌شود.

یکی از روش‌های محاسبه تولید ناخالص داخلی، محاسبه مجموع ارزش افزوده ایجاد شده توسط بخش‌های مختلف اقتصاد یک کشور است و یکی از مزیت‌های اصلی حوزه صنایع‌دستی، ایجاد ارزش افزوده بالایی توسط هنرمندان و صنعتگران این بخش می‌باشد؛ چراکه در تولید صنایع‌دستی بخش اصلی ارزش محصول تولید شده، مربوط به هنرمند و صنعتگری است که به مدد ذوق و سلیقه هنری خود محصولی را تولید کرده و علاوه‌بر آن مواد اولیه در تولید این محصولات در اکثر موارد ابتدایی، در دسترس، غالبا کم‌هزینه و مستقل از واردات از کشورهای دیگر است. در نتیجه مجموع این عوامل سبب شده در حدود ۷۵درصد از ارزش محصول به ارزش افزوده ایجاد شده توسط تولیدکنندگان این محصولات تعلق گیرد.

اما متاسفانه سهم بخش صنایع‌دستی در تولید ناخالص داخلی ناچیز و بین دو تا پنج درصد در نوسان است؛ اما نکته جالب آنجاست که همین میزان اندک از سهم خودروسازی و صنایع پتروشیمی در تولید ناخالص ملی که به ترتیب ۲٫۷ و ۲درصد است، بیشتر بوده و این درحالی می‌باشد که تاکنون سرمایه‌گذاری کلانی در این دو بخش صرف شده است. همچنین برای ایجاد هر شغل در صنعت خودرو به بیش از چندصد میلیون تومان سرمایه‌گذاری نیاز بوده و این رقم در حوزه صنایع‌دستی بسیار ناچیز و اندک است.

از دیگر ویژگی‌های منحصربه‌فرد صنایع‌دستی می‌توان به سادگی تکنیک آموزش تولید این محصولات، انطباق با فرهنگ و آداب و رسوم مناطق مختلف، عدم‌نیاز به آموزش فنی وسیع، دسترسی آسان به مواد اولیه، عدم احتیاج به سرمایه‌گذاری‌های کلان و... اشاره نمود.

درحال حاضر دو کشور چین و هند که با برنامه‌ریزی‌های درست و دقیق، حضور فعالی در عرصه بین‌المللی صنایع‌دستی دارند و توانسته‌اند گوی سبقت را از سایر رقیبان منطقه‌ای خود بگیرند و سالانه درآمد ارزی فراوانی را به سیستم اقتصادی خود وارد کرده و از این طریق اشتغال وسیعی در شهرها و روستاهای خود ایجاد کنند؛ اما متاسفانه کشور ما با وجود تنوع فراوان در رشته‌های صنایع‌دستی و پیشینه‌ای غنی از تمدن و فرهنگ، در رتبه سوم بعد از این دو کشور قرار گرفته و بی‌اعتنایی به این بخش توسط مسئولین اقتصاد، کشور را از بسیاری از فرصت‌های اقتصادی محروم نگه داشته است.

نقش موثر اقتصاد صنایع‌دستی در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی

مفهوم اقتصاد مقاومتی به معنای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد یک کشور نسبت به تحریم‌های اقتصادی از جانب کشورهای قدرتمند است. این واژه برای اولین بار در سال۸۹ و در دیدار کارآفرینان با رهبر معظم انقلاب اسلامی مطرح شد. این مفهوم از آن زمان در ادبیات اقتصادی کشور مورد توجه سیاستمداران و اقتصاددانان قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های اقتصاد مقاومتی، بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌های اقتصادی، در جهت پیشرفت کشور است. در این میان، صنایع‌دستی به دلیل مزیت‌های اقتصادی که دارا می‌باشد، می‌تواند در پیشرفت اقتصادی کشور، نقش کلیدی داشته باشد.

مقام معظم رهبری در تبیین معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی فرموده‌اند: « اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند.» در فرمایشات ایشان مهم‌ترین ارکان اقتصاد مقاومتی مطرح شده است. ازجمله آنها می‌توان به مقاوم بودن اقتصاد در برابر فشارها و تحریم‌های اقتصادی کشورهای دیگر اشاره کرد. یکی از مشکلات اساسی، وابستگی به درآمدهای نفتی بوده و از این ناحیه آسیب شدیدی به اقتصاد وارد شده است. از این جهت می‌توان یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد مقاومتی را افزایش صادرات غیرنفتی دانست.

درحال حاضر کشور ایران یکی از سه قطب عمده تولید صنایع‌دستی در جهان محسوب می‌شود. بدین سبب یکی از ظرفیت‌های اساسی در حوزه صادرات غیرنفتی، صادرات محصولات صنایع‌دستی است. صنایع‌دستی ایران به لحاظ تنوع و کیفیت، در جایگاه برجسته‌ای قرار دارد؛ در نتیجه ضروری است در حوزه صادرات صنایع‌دستی با برنامه‌ریزی صحیح، زمینه افزایش صادرات غیرنفتی را مهیا نماییم.

یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی، استفاده از تمام ظرفیت‌های دولتی و مردمی در راستای مقاوم‌سازی اقتصاد کشور است. رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌های خویش در این زمینه فرمودند: «اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل۴۴ با تاکید و اهتمام و دقت و وسواسِ هرچه بیشتر باید دنبال شود».

در این مورد هم صنایع‌دستی جایگاه ویژه‌ای برای رسیدن به شرایط اقتصاد مقاومتی را دارد. تولیدات صنایع‌دستی در شهرها و روستاهای کشور، عمدتا با کمترین هزینه برای تهیه مواد اولیه تولید می‌شود. در نتیجه این حوزه می‌تواند فرصت مناسبی را برای افزایش درآمد روستاییان فراهم آورد. از سوی دیگر در مناطق روستایی در فصولی از سال که کشاورزی رونق کمتری دارد، تولیدات صنایع‌دستی می‌تواند درآمد جایگزینی را برای افزایش سطح زندگی مردم آن مناطق ایجاد کند.

همان‌طور که اشاره شد، در اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، توانمندسازی بخش خصوصی بسیار تاکید شده است. لذا می‌توان با تکیه بر مردم، کشور را از هجمه‌های اقتصادی سایر کشورها مصون داشت. این مسئله در حوزه صنایع‌دستی، می‌تواند در قالب حمایت از کارگاه‌های تولیدی در مناطق روستایی خصوصا مناطق آزاد مصداق پیدا کند. در بسیاری از مناطق محروم روستایی، نیاز است مسئولین از هنرمندان بومی صنایع‌دستی، حمایت مناسبی به عمل آورند. به طور مثال می‌توان با تاسیس کارگاه‌های تولیدی، زمینه رونق تولیدات صنایع‌دستی بومی را فراهم آورد.

از دیگر ارکان مهم اقتصاد مقاومتی می‌توان به حمایت از تولید ملی اشاره کرد. یکی از بهترین مزیت‌های اقتصادی صنایع‌دستی، دسترسی آسان و ارزان به مواد اولیه تولید این محصولات است. مردم روستایی و عشایر کشور غالبا از طبیعت پیرامون خود برای تهیه مواد اولیه تولید صنایع‌دستی استفاده می‌کنند.

از سوی دیگر صنایع‌دستی به دلیل ایجاد ارزش افزوده فراوان، در افزایش تولید ناخالص ملی نقش مهمی دارد. درحال حاضر بسیاری از کشورهای پیشرفته و درحال توسعه به مقوله صنایع‌دستی نگاه ویژه‌ای دارند؛ ازجمله این کشورها می‌توان به ترکیه، چین، هند، اندونزی و... اشاره کرد. این کشورها با برنامه‌ریزی صحیح در این حوزه توانسته‌اند ارزآوری و درآمد سرانه بالایی را نصیب خود کنند.

در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین مسائلی که اقتصاد کشور را تحت‌الشعاع قرار داد، نوسانات قیمت نفت بود. به نظر می‌رسد حوزه صنایع‌دستی در بخش صادرات غیرنفتی می‌تواند به مراتب نقش پررنگ‌تری داشته باشد. در نتیجه رسیدن به این هدف، تنها با برنامه‌ریزی هدفمند برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های فراوان این حوزه میسر می‌شود. درحال حاضر وجود رقیبان بین‌المللی در حوزه صنایع‌دستی سبب افت رتبه صادراتی ایران در این بخش شده است. بدین جهت ضروری است با به‌کارگیری نوآوری در صادرات تولیدات صنایع‌دستی در جهت افزایش صادرات غیرنفتی گام برداریم.

امیرحسین محمودی کارشناس حوزه صنایع‌دستی:

ایجاد خودباوری در جوامع محلی، رمز توسعه اقتصاد صنایع‌دستی

امیرحسین محمودی کارشناس حوزه صنایع‌دستی درخصوص اهمیت توجه به جوامع محلی در مناطق آزاد در جهت توسعه اقتصادی صنایع‌دستی و به‌تبع آن ایجاد چرخه اقتصادی برای این افراد اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین محورهای تولید صنایع‌دستی در کل دنیا، منشا در جوامع محلی و عمدتا کمتربرخوردار دارد؛ بی‌تردید توجه دولت‌ها و سازمان‌ها به این ظرفیت‌ها در این جوامع می‌توان کلید توسعه صنایع‌دستی در این مناطق باشد.

وی افزود: با توجه به تاریخ کهن ایران و نیز تنوع اقوام در کشور و به‌تبع آن وجود فرهنگ‌ها و اقوام مختلف، خود بستر بسیار مناسبی را در جهت خلق آثار هنری مختلفی در کشور برای ما ایجاد کرده است که با توجه به نیاز به برنامه‌ریزی در این خصوص می‌توان چرخه بسیار مطلوبی از منظر اقتصادی هم برای توسعه گردشگری با محوریت صنایع‌دستی که موردتوجه گردشگران داخلی و خارجی است ایجاد کرد و هم می‌توان کمک شایانی به اقتصاد جوامع محلی کمتر برخوردار و عمدتا ساکن مناطق محروم کرد.

این کارشناس حوزه صنایع‌دستی با اشاره به خلاءهای این صنعت در کشور اذعان داشت: یکی از مهم‌ترین و بزرگترین مشکلات کشور ما در این صنعت، شامل عدم ارائه در حد بین‌المللی آثار صنایع‌دستی در بازارهای برون‌مرزی است که بسته‌بندی، بازاریابی مناسب، حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی صنایع‌دستی و گردشگری دنیا، تبلیغ آثار هنری صنایع‌دستی، ایجاد و حمایت ویژه از مراکز عرضه صنایع‌دستی و آموزش در این حوزه، جزو مهم‌ترین مشکلات ما در این عرصه به‌شمار می‌آید که باید با تغییر نگرش در حوزه صنایع‌دستی و استفاده از ظرفیت‌های اساتید برجسته این صنعت در کشور، در پویایی هرچه بیشتر این حوزه و بدل کردن آن به صنعتی نوین و خلاق در کشور گام برداریم.

محمودی، صنایع‌دستی ایران را یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های کشور برای گردشگران خارجی برشمرد و گفت: صنایع‌دستی، جزو آثار هنری و ارزشمند در دنیا محسوب می‌شود؛ ما در ایران، اصفهان را ثبت جهانی شهر صنایع‌دستی یونسکو داریم و این خود نشان از فرهنگ غنی ایران در این حوزه است و به دفعات شاهد علاقه گردشگران خارجی به صنایع‌دستی کشورمان در سفرهایشان به شهرهای مختلف ایران و نیز نمایشگاه‌های گردشگری در جهان بوده‌ایم و بی‌تردید می‌توانیم این علاقه را در کنار توسعه گردشگری در کشور به توسعه اقتصادی صنایع‌دستی در ایران و ایجاد اشتغال پایدار برای جوامع محلی در اقصی نقاط کشور بدل نماییم.

یادداشت

توسعه اقتصادی مناطق آزاد با ورود سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی

یادداشت:
رامین قنبری
کارشناس مناطق آزاد

اصطلاحی که امروزه به عنوان مدیریت صنعتی از آن نام برده می‌شود، همان مدیریتی است که توانسته کشورهای پیشرفته را به قطب صنعتی تبدیل کند. با توجه به اینکه بیش از یکصد سال است که اصول مدیریتی و روش‌های مدیریتی مدرن تدوین شده و تکامل یافته است، به‌طور قطع تاثیر زیادی در پیشرفت کشورهای توسعه یافته گذاشته است.

آنچه در اواخر قرن بیستم اتفاق افتاده، باعث گردید تا تغییرات و انتظارات زیادی در گرایش مشتریان، مخاطبین سازمان‌ها و بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی به‌وجود آید. بر این اساس در شرایط امروز جهانی و با توجه به تجارب و شواهد به‌دست آمده، نقش محوری و کلیدی فناوری در رشد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی و مناطق آزاد و ویژه اقتصادی امری روشن و تردیدناپذیر شده است.

ویژگی‌های فرآیندی برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک نشان می‌دهد که رشد دائمی و پویای اقتصادی، از موارد مهم مدیریتی در برنامه‌ریزی‌ها است. گرچه ذاتا فرآیند مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک، یک فرآیند بلندمدت به‌حساب می‌آید؛ ولی هیچ نوع چارچوب زمانی برای آن در برنامه‌ریزی‌های متصور نیست؛ چراکه نمی‌توان تغییرات محیطی را پیش‌بینی کرد که در چه زمانی اتفاق می‌افتد. درواقع هر زمانی که تغییرات محیط خارجی و داخلی و هشدارهای مربوط به آن را دریافت کنیم، این فرآیند فعال می‌شود.

به طور عمده معنا و تفسیر بخش خصوصی، تابعی از هدفی است که مفسر و معناکننده دنبال می‌کند. در نظام اقتصادی، اجتماعی ایران، ماهیت بخش خصوصی دارای مفهوم و معنای مستقلی نیست. به همان میزان معنا و مفهوم بخش خصوصی در تفسیر و کاربرد آن عبارت نیز تنوع و تعدد وجود دارد و همین تنوع و تعدد بر سرنوشت، جهت‌گیری‌ها و نتیجه عملکردهای اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد. به‌طور کلی در بخش‌های خصوصی عناوین کلی ماموریت‌ها و حوزه‌های فعالیت اقتصادی به همان میزان معنا و مفهوم بخش خصوصی در تفسیر و کاربرد آن عبارت نیز تنوع و تعدد وجود دارد و همین موارد بر سرنوشت، جهت‌گیری‌ها و نتیجه عملکردهای اجتماعی و اقتصادی تاثیرگذار است.

در بخش‌های خصوصی عناوین کلی ماموریت‌ها و حوزه‌های فعالیت اقتصادی مشخص شده است و از عبارت‌های عمومی و خصوصی برای نوعی طبقه‌بندی کالا، خدمات، داده تولید و هدف امکان‌پذیری انجام تحلیل‌های اقتصادی، مالی، برنامه‌ریزی استفاده می‌شود.

بخش خصوصی به‌طور واقعی، بر کارکردهای حوزه فعالیت نهادهای دولتی نیز اثرات زیادی گذارده است. این وضعیت باعث شده تا در فضاهای کسب‌وکار در حوزهای مختلف، بازار محصول شکل نگیرد و رضایت مشتری به‌وجود نیاید؛ منافع حاصل از آنها هم در اقتصاد کلان و فعالیت‌های اقتصادی جاری نشود و مطلوبیت هم در حد لازم پدید نیاید. تداوم این وضعیت، اثرات نامطلوبی بر زیربناهای اساسی کشور، توسعه و رشد اقتصادی و رفاه جامعه داشته و فعالیت‌ها و بازارهای مختلف کسب‌وکار امکان شکل‌گیری و توسعه شرکت خصوصی به معنای واقعی آن را فراهم نمی‌کند به دلیل آنکه دولت صرفا در جایگاه اعمال حکومت قرار ندارد.

بنگاه خصوصی، ساختاری است متناسب با جایگاه خود در بازار و عوامل لازم را برای کسب سود به‌کار می‌گیرد. در اقتصادی که درآمد حاصله از محل تبادلات و گردش منابع و محصولات تولید شده در داخل با محصولات و منابع خارجی کسب نمی‌شود و امکان و ظرفیتی برای رشد بنگاه‌های اقتصادی و خصوصی وجود ندارد و هنگامی که عمده‌ترین منبع درآمدی کشور در اختیار بخش دولتی است؛ زمینه‌ای برای حضور شرکت خصوصی به‌وجود نخواهد آمد. به‌طور طبیعی با ارتقای دانش فنی و روش‌های تولید و ظهور محصولات و ظرفیت‌های جدید سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، دولت‌ها وظیفه دارند بستر لازم را برای حضور و توسعه بنگاه‌های اقتصادی خصوصی فراهم کنند و به‌گونه‌ای بازارهای جدید را شکل دهند.

با توجه به اینکه بخش خصوصی مکمل بخش‌های دولتی و تعاونی در انجام فعالیت‌های اقتصادی است، شکل‌گیری، رشد و شکوفایی شرکت‌های بخش خصوصی متکی بر کم‌وکیف اصالت دادن به بخش خصوصی و حفظ حقوق و مالکیت آن است.

باید گفت فرآیند رشد و توسعه پایدار نیازمند تعامل سودمند مالی، فنی و مدیریتی با سایر کشورها است. مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در ایران نیز برای رسیدن به رشد پایدار اقتصادی نیازمند حضور سرمایه‌گذاران خارجی و تامین منابع مالی در بخش‌های مختلف اقتصادی است. امروزه سرمایه‌گذاری در بخش فناوری پیشرفته، بیش از هر نوع سرمایه‌گذاری دیگر، فرصت‌های جهش و رشد اقتصادی را در کشورها برای توسعه ایجاد می‌کند و موجب دستیابی سریع‌تر به فرصت‌های رقابتی اقتصادی، اجتماعی و منطقه‌ای می‌شود. بدون شک جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در شکل مستقیم و غیرمستقیم آن، به شرایط کنونی اقتصاد ایران در ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصادی و برون‌رفت از موقعیت رکود تورمی و عواقب تحریم‌ها کمک می‌کند. با این حال جذب این نوع سرمایه‌گذاری‌ها مستلزم برخورداری از یک استراتژی هدفمند و هوشمند است که در آن انتقال تکنولوژی پیشرفته، توسعه اقتصادی پایدار را میسر کرده و دربرگیرنده هزینه‌های فرصت نخواهد بود.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که گاهی از آن به مشارکت تجارتی بین‌المللی تعبیر می‌شود، مهم‌ترین و اقتصادی‌ترین روش انتقال تجاری فناوری به‌حساب می‌آید. از میان روش‌های مختلف انتقال فناوری پیشرفته خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق ایجاد شرکت‌های مشترک از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، چراکه از طرفی سرمایه‌گذار خارجی به علت مشارکت در مالکیت و مدیریت شرکت، معمولا فناوری قابل‌قبولی را ارائه می‌کند و از طرف دیگر، به دلیل علم و آگاهی شرکای محلی از اوضاع و احوال مختلف داخلی، حساسیت‌های احتمالی حقوقی، اقتصادی و سیاسی به حداقل می‌رسد. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نیازمند شناسایی علمی عوامل موثر بر آن نیز می‌باشد. براساس مطالعات انجام شده می‌توان گفت عدم توسعه و بهبود فضای کسب‌وکار در ایران یکی از عوامل اصلی کاهش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دهه‌های اخیر بوده است.

رویکرد مناطق آزاد کشور درحال حاضر براساس اهداف و چشم‌اندازهای پیش‌بینی شده و وجود تسهیلات مختلف ازجمله معافیت‌های مالیاتی و گمرکی به سمت تولید کالا و خدمات معطوف شده‌اند که این مهم می‌تواند به توسعه صادرات و ایجاد اشتغال در کشور کمک کند. برای تقویت این رویکرد که لازمه داشتن یک منطقه آزاد موفق است، داشتن روابط بین‌المللی مناسب با سایر کشورها می‌باشد، به نحوی که هر تعاملی با کشورهای مختلف، مسیری برای ورود آنها به جذب سرمایه‌گذاران به سمت مناطق آزاد و ویژه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به سوی مناطق باز کند. در کنار این عوامل، وجود امنیت سرمایه‌گذاری، داشتن روابط پولی و بانکی بین‌المللی نیز حائز اهمیت است؛ یعنی یک سرمایه‌گذار خارجی باید بداند که ضمن ورود به کشور مقصد، چگونه می‌تواند از منافع تولید مشترک بهره‌مند شود و مطمئن باشد که برای دریافت عواید حاصل از فعالیت خود با مشکل مواجه نخواهد شد.

هفته‌نامه اقتصادی، اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مرضیه حسینی
زیرنظر: شورای سردبیری
www.freezonesnews.com
خبرنامه مناطق آزاد
گزارش
آدرس دفتر مرکزی: تهران، میدان هفت تیر، ابتدای خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان مشاهیر، پلاک ٦٤ ، واحد ٥
تلفن: ٨٨٨٤١٦٤٨ فکس: ٨٨٨١٤٧٣٣
چاپ: گل آذین - ٦٦٧٩١٣٦٩ بازرگانی و توزیع: موسسه آزاد کهن قشم

بررسی مزیت‌ها و توانمندی‌های مناطق آزاد ایران در جهت بین‌المللی‌سازی اقتصاد ملی:

تحقق شعار جهانی شدن مناطق آزاد با توسعه تجارت بین‌المللی به عنوان محرک رشد اقتصادی

گزارش:
فریبا شیخی

برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، به میزان تعامل اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی بستگی داشته و متاثر از فرآیند پدیده جهانی شدن اقتصاد است. پدیده جهانی شدن نیز تاکنون نشان داده است که اقتصاد ملی کشورها، تحت‌تاثیر جدی این پدیده قرار دارند. در جهان امروز، با وجود وابستگی‌های متقابل، رشد و توسعه اقتصادی در سطح ملی، بدون تعامل فعال با اقتصاد جهانی، دچار چالش جدی است.

از طرفی برنامه‌های توسعه در کشورهای درحال توسعه به طرز قابل‌توجهی تحت‌تاثیر اندازه دولت می‌باشد. اندازه دولت از اموری است که در راستای تعامل یا عدم تعامل دولت‌ها با جهانی شدن، دستخوش تغییرات شده است. براساس منطق جهانی شدن، دولت‌ها بایستی نسبت به کوچک‌سازی خود و واگذاری امور تصدی‌گری به بخش خصوصی و اصولا ایجاد و گسترش فضای رقابتی اقدام نمایند.

فرآیند جهانی شدن در حوزه اقتصاد، بر محور اصلاح، کاهش و حذف حمایت‌های دولتی از طریق مقررات‌زدایی و کاهش مالیات‌ها بنا شده است. در نظریه جهانی شدن اعتقاد بر آن است که فاصله‌ها از میان می‌رود و درواقع مناطق محلی، اهمیت جهانی پیدا می‌کنند. با جهانی شدن اقتصاد، مرزهای سیاسی و امنیتی مرسوم دولت‌ها دستخوش تغییر شده و بر شاخص‌های امنیتی، امنیت سایبری نیز اضافه شده؛ موضوعی که در حوزه اقتصادی نیز اثرات خود را با کوچک کردن حوزه نفوذ دولت نمایان ساخته است.

ادغام بازارها که یکی از وجوه بارز جهانی شدن است، اثربخشی سیاست‌های دولت در داخل کشور را کاهش می‌دهد و برای کاهش عملگرایی دولت، فشارهای رقابتی وارد می‌کند؛ چراکه یک بخش عمومی بزرگ می‌تواند موجب کاهش رقابت ملی و بین‌المللی گردد. در پدیده جهانی شدن، فرض غالب، محدودسازی و کوچک شدن دولت‌ها خواهد بود؛ زیرا در فرآیند همگرایی با اقتصاد جهانی، دولت‌ها مجبور هستند از طریق فراهم کردن زمینه‌های رشد بخش خصوصی، آزادسازی تجاری، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اولویت رویکردهای اقتصادی در سیاست خارجی، کارکردهای جدیدی داشته باشند.

جهانی شدن تاکید بسیار بر رقابت و بازار دارد و نقش دولت را به طور محسوسی می‌کاهد؛ آن‌چنان که لازم است وظایف دولت‌ها مورد بازنگری قرار گرفته و دولت باید نوسازی شود. در شرایط جهانی شدن، وظایف جدیدی برای دولت به‌وجود می‌آید و دولت باید هزینه‌های نوسازی و سازگاری با جهانی شدن را بپردازد.

جهانی شدن باعث افزایش چشمگیر تجارت و مبادلات جهانی در یک نظام اقتصادی بین‌المللی که دائما بازتر و یکپارچه‌تر می‌شود، شده است. بنابراین پدیده جهانی شدن با گسترش تجارت بین‌الملل و همکاری میان کشورها، ایجاد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را غیرقابل اجتناب کرده است؛ نهادهایی که با گسترش موضوعات اقتصادی و تجاری از قبیل سرمایه‌گذاری خارجی، وام و استقراض خارجی، رشد تجارت بین کشورها، شکل‌گیری شرکت‌های چندملیتی و غیره، وظیفه تنظیم مقررات و کارکردهای اقتصاد و تجارت بین‌الملل را برعهده دارند.

جهانی شدن ساختارهای تولیدی، مالی و تجاری، ماهیت و کارویژه دولت‌ها را از واحدهای سرزمینی به بازیگرانی مجازی در اقتصاد سیاسی جهانی متحول ساخته است. در گذار به جهانی شدن، دغدغه دولت‌ها از مسائل امنیتی و سیاسی، به دستیابی به سهمی از بازارهای تولید، تجارت و سرمایه جهانی تغییر یافته است.

تجلی این تحول در عملکرد دولت‌ها در نظام اقتصاد سیاسی جهانی، گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزار نوین و کارآمد تعامل در اقتصاد جهانی و دستیابی به توسعه قابل مشاهده می‌باشد. در چارچوب ساختار نوین، نخست این‌که مقوله توسعه اقتصادی به مولفه تعیین‌کننده کارآمدی و قدرتمندی دولت‌ها تبدیل گردیده و دوم، دستیابی به توسعه اقتصادی نیازمند تعامل با ساختارهای اقتصاد سیاسی جهانی می‌باشد.

برای ایران به عنوان کشوری درحال توسعه، استراتژی رهایی از فروش مواد خام و دستیابی به مدارهایی از تولید کالاهای صنعتی یا مشتقات حاصل از فرآوری مواد خام، آن‌گونه که مقام معظم رهبری تاکید می‌کنند، نه تنها یک ضرورت؛ بلکه یک الزام است.

جهانی شدن، فرآیند و تحولی است که مرزهای سیاسی و اقتصادی مرسوم را کم‌رنگ می‌کند و در نهایت آنها را دگرگون می‌کند. جهانی شدن یک پدیده چندبعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، حقوقی و... می‌باشد. اقتصاد در جهان امروز بیشترین نقش را در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کند؛ به عبارت دیگر، اقتصاد، تنظیم کننده کلیه رفتارها و حتی برخوردها و چالش‌هایی است که در روابط میان جامعه و دولت‌ها رخ می‌دهد.

جهانی شدن از نظر صندوق بین‌المللی پول عبارت است از: وابستگی روزافزون کشورها به یکدیگر به علت افزایش و تنوع حجم مبادلات کالاها و خدمات بین کشورها، گردش جهان سرمایه و همزمان با آن توسعه سریع فناوری. مهم‌ترین ویژگی‌های جهانی شدن که اقتصاد را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد، عبارتند از: جهانی شدن رفتارهای اقتصادی، به‌کارگیری تجارت جهانی به عنوان محرک توسعه اقتصادی، تمرکز اقتصادی و رقابت‌پذیری.

شاید عامل اصلی تحقق جهانی شدن اقتصاد، پیشرفت فناوری اطلاعات است که هزینه‌های ارتباط از راه دور را کاهش داده، اهمیت فاصله را در فعالیت اقتصادی به حداقل رسانده، تولید را افزایش داده و در نهایت باعث افزایش رشد اقتصادی شده است.

از آنجا که آزاد بودن تجاری به معنای دخالت کمتر دولت در ساختار بازار، یکی از شاخص‌های مهم برای جهانی شدن است، رابطه بین رشد اقتصادی و نرخ سرمایه‌گذاری موردتوجه قرار می‌گیرد و در نهایت اینکه دو تغییر با یکدیگر رابطه مثبت دارند. بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و صادرات کشورهای درحال توسعه نشان می‌دهد که یک رابطه معنادار و مثبت بین رشد اقتصادی و رشد تولیدات صنعتی وجود دارد.

دستیابی به توسعه اقتصادی، فلسفه اصلی در ایجاد مناطق آزاد

در این میان یکی از راه‌حل‌های مطمئن برای کشورهای درحال توسعه به منظور پیوستن به اقتصاد و تجارت جهانی، مناطق آزاد است. مناطق آزاد می‌تواند به‌مثابه پلی به سوی جهان خارج موجب افزایش مبادلات تجاری در یک کشور باشد و تجارت داخلی را نیز تحت‌تاثیر قرار دهد و با جذب برخی تخصص‌های فنی و سرمایه‌ای موردنیاز و در کنار آن جذب فناوری و سرمایه‌های خارجی، موجب توسعه در صنعت و تولیدات شود و از این طریق، بر تجارت داخلی کشور نیز تاثیر بگذارد.

یکی از مهم‌ترین دلایل کشورهای درحال توسعه در ایجاد مناطق آزاد، افزایش اشتغال است؛ همچنین در کشور ایران نیز مناطق آزاد می‌توانند نقش موثری در رشد و توسعه اقتصادی داشته باشند. تاسیس مناطق آزاد یکی از مهم‌ترین رویکردهای کشور ظرف سه‌دهه اخیر است که به منظور تسریع در امور زیربنایی، عمرانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار، کالا و حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات و... راه‌اندازی شده‌اند.

امروزه کشورها برای تامین سرمایه و ایجاد زیرساخت‌های اساسی رشد و توسعه اقتصادی، کسب فناوری‌های جدید، ایجاد اشتغال و مواردی از این قبیل، ناگزیر از برنامه‌ریزی برای جلب و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی هستند و ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی یکی از مهم‌ترین راهکارهای کشورهای مختلف دنیا در چند دهه گذشته برای رسیدن به این مهم بوده است.

فلسفه اصلی رویکرد کشورهای درحال توسعه به ایجاد مناطق آزاد، دستیابی به توسعه اقتصادی است. این کشورها برای تحقق توسعه، با کمبودها و محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند، ولی در عین حال، از برتری‌ها و امکاناتی نیز برخوردارند و منطقه آزاد، ابزاری است که می‌تواند تا حدودی کمبودها را جبران و امکانات و برتری‌های بالقوه را در سطح ملی به توانایی بالفعل تبدیل کند. مناطق آزاد اگر براساس اهدافی که ایجاد شده‌اند، فعالیت کنند؛ به طور حتم در توسعه صنعت و اقتصاد کشور مفید واقع خواهد شد.

مناطق آزاد باعث توسعه اشتغال در کشور هستند و باید به آن ماموریت‌هایی که در این زمینه برای آنها در نظر گرفته شده و همچنین به قانون و مقرراتی که برای این مناطق تصویب شده عمل کنیم و براساس آن قوانین پیش برویم.

نقش مناطق آزاد تجاری-صنعتی در توسعه اقتصادی کشورهای درحال توسعه بر کسی پوشیده نیست؛ به‌واقع این مناطق با تسهیلاتی که از طریق قوانین و مقرراتی انعطاف‌پذیرتر از قواعد حاکم بر سرزمین اصلی برای فعالین اقتصادی ایجاد می‌کنند، درصدد ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران داخلی یا خارجی در جهت سرمایه‌گذاری در منطقه و حوزه‌ای خود هستند.

جذب سرمایه‌های خارجی با هدف تحقق توسعه به عنوان یک مسئله بین‌المللی

توسعه اقتصادی نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی است. بدون سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی و روبنایی نمی‌توان انتظار گسترش اشتغال، تولید و رفاه اقتصادی را داشت. به این دلیل که امروزه توسعه به عنوان یک مسئله بین‌المللی حائز اهمیت است، بسیاری از کشورهای جهان تمایل شدیدی به جذب سرمایه‌های خارجی پیدا کرده‌اند، به طوری که جذب سرمایه‌گذاری خارجی از مهم‌ترین عوامل توسعه از منظر بین‌المللی به‌شمار می‌رود. با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌توان نسبت به احداث زیرساخت‌ها و امکانات موردنیاز از طریق روش‌های رایج سرمایه‌گذاری خارجی اقدام کرد.

توسعه کشورها به‌مثابه فرآیندی بین‌المللی از طریق پیوند با اقتصاد و بازار جهانی شکل می‌گیرد و توانمندی‌های اقتصادی کشورها نیز در مقابل با این اقتصاد و بازار به‌وجود می‌آید. در کشورهایی که به علت پایین بودن درآمد سرانه، حجم پس‌اندازها ناکافی است، سرمایه‌گذاری‌های خارجی بخشی از نیاز کشور به منابع مالی را تامین می‌کند. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری‌های خارجی از یکسو رشد اقتصادی را به‌دنبال دارد و از سوی دیگر حتی در کوتاه‌مدت از فشار بر تراز پرداخت‌های خارجی، که در نتیجه افزایش تقاضا برای کالاهای وارداتی ایجاد شده است، می‌کاهد.

تجربه استفاده از مناطق آزاد در کشورهای درحال توسعه جزء اصلی چارچوب استراتژی توسعه صادرات با هدف جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، توسعه صادرات صنعتی، ایجاد اشتغال و کسب تکنولوژی جدید بوده است؛ امروزه تجربه بسیاری از کشورها مانند چین نشان می‌دهد که می‌توان با ایجاد مناطق آزاد تجاری-صنعتی، امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم آورد و به توسعه صادرات کالاهای صنعتی و در نتیجه درآمدهای ارزی کشور افزود.

این مناطق با برخورداری از معافیت‌های مالیاتی و گمرکی و دوری از قوانین بازدارنده داخلی، برخورداری از امکانات زیربنایی مناسب و سازمان‌های اجرایی کارآمد و... می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های خارجی را با تکیه بر وجود مزیت‌های نسبی همچون ارزانی نیروی کار و مواد اولیه و نزدیکی به بازارهای مصرف جذب کنند.

مناطق آزاد در صورت توفیق می‌توانند سرمایه‌های خارجی را برای گسترش صنعت صادرات‌گرا، انتقال تکنولوژی و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب به‌کار برند و اقتصاد بسته و ناکارای داخلی را به اقتصاد بین‌المللی گره بزنند. بنابراین ایجاد و توسعه مناطق آزاد تجاری-صنعتی می‌تواند به عنوان یک خط‌مشی سریع و راهی میانبر برای تحقق اهدافی همچون جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و صنعتی شدن سریع به منظور توسعه صادرات غیرنفتی مورد استفاده قرار گیرد.

توسعه اقتصادی، نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی است. در کشور ما نیز با توجه به حضور کم‌رنگ اقتصاد ملی در عرصه رقابت جهانی، ایجاد مناطق آزاد به عنوان عاملی موثر در جهت جبران فرصت‌های از دست رفته و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال سالم و مولد، ارتقای جایگاه اقتصادی کشور، بهره‌مندی از اقتصاد رقابتی و جذب سرمایه داخلی و خارجی موردتوجه و تاکید سیاستگذاران نظام اقتصادی کشور می‌باشد.

با توجه به این‌که عامل سرمایه، یکی از عوامل اصلی در رشد و توسعه کشورها محسوب می‌شود و متغیرهای دیگر اقتصادی ازجمله اشتغال، تولید ناخالص ملی، عرضه کالا و خدمات و... مستقیما از این عامل تاثیر می‌پذیرند، شناخت تنگناها و موانع جذب و گسترش سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد، چشم‌انداز روشنی از عوامل موثر بر جذب و گسترش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را ارائه می‌کند. از دیدگاه توسعه اقتصاد ملی، ایجاد منطقه آزاد می‌تواند همانند دریچه‌ای به جهان خارج، آزادی مبادلات تجاری را تامین و تضمین نموده و به جذب برخی تخصص‌های فنی و سرمایه‌ای موردنیاز جریان توسعه صنعتی کشور یاری رساند.

از منظر توسعه روابط اقتصادی در سطح منطقه‌ای، منطقه آزاد موجب تحرک و پویایی اقتصاد نواحی مجاور خود شده و حرکت سرمایه، نیروی کار و مدیریت را به مناطق منتخب تسریع می‌کند. در نتیجه، ایجاد منطقه آزاد در بطن فعالیت‌های اقتصادی، فرآیندی هدفمند محسوب می‌شود که وظیفه آن، کمک به رشد اقتصادی، تقویت صنعتی شدن و فراهم کردن امکانات مبادلات بازرگانی به‌ویژه در زمینه توسعه صادرات است. منطقه آزاد را نباید مدل مستقل و کارآمدی از رشد اقتصادی منطقه محسوب کرد؛ بلکه آن را باید ساختاری منعطف و پویا دانست که اقتصاد بازار آزاد را ارتقاء می‌دهد.

تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که مناطق آزاد، پلی میان اقتصاد داخلی و جهانی با جهت‌گیری تولیدی، صادراتی، انتقال تکنولوژی و رشد و توسعه اقتصادی بوده است. درواقع، مناطق آزاد در کشورهای درحال توسعه، ابزار توسعه اقتصادی برای کل اقتصاد در نظر گرفته می‌شوند، نه منطقه‌ای صرفا تجاری. کشورهای موفق، مناطق آزاد را وسیله‌ای برای ورود به بازار جهانی و بهره‌گیری از برتری‌های نسبی در بازرگانی بین‌المللی می‌دانند و امیدوار هستند مناطق مذکور یاری‌دهنده آنان در رهایی از فقر و عقب‌ماندگی باشند، تکنولوژی، مدیریت و سرمایه را به کشور آنها وارد کنند و عوامل تولید داخلی را با عوامل علمی و دانش فنی خارجی تلفیق نمایند و سرانجام کشور را در مسیر توسعه صنعتی و در درازمدت در رده کشورهای توسعه یافته و صنعتی قرار دهند.

اکنون که دولت به‌دنبال «مهار تورم و رشد تولید» است، این جهت‌گیری استراتژیک باید در تعیین کاربری‌های مناطق آزاد جدی گرفته شود تا این مناطق بتوانند با اعمال نگرش توسعه صادرات، به تولید حرفه‌ای به منظور تحقق اهداف اقتصادی و توسعه‌ای کشور بپردازند و با جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و انتقال موثر تکنولوژی از طریق یک راهبرد مطلوب بر طبق برنامه زمان‌بندی شده صادراتی و برقراری یک ارتباط مناسب با اقتصاد داخلی، به افزایش صادرات، درآمدهای ارزی، اشتغال و مازاد حساب جاری کمک کنند.

در شرایط حاضر که دنیا به سوی جهانی شدن و آزادی کامل حرکت می‌کند و کشور ما نیز ناگزیر به پیوستن به این جریان خواهد بود، مناطق آزاد به‌مثابه الگویی نمونه برای اصلاح ساختار اقتصاد کشور برای انطباق با تحولات پدید آمده در اقتصاد جهانی محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه ساختار اقتصاد کشور از طریق حذف موانع اداری و برقراری مقررات آسان و در عین حال، تقویت کنترل‌ها و نظارت‌های کلان اصلاح می‌شود، مناطق آزاد می‌توانند به عنوان ابزاری برای طراحی، آزمون و تکامل برنامه‌های اصلاح ساختاری و بهره‌برداری از نتایج آن به منظور تسری اصلاحات به سرزمین اصلی مورد توجه قرار گیرند.

افزایش همگرایی منطقه‌ای ایران با بهره‌گیری از ظرفیت مناطق آزاد

با نگاهی به تعریف منطقه آزاد می‌توان به درک بسیار بهتری از نقش این مناطق در توسعه اقتصادی هر کشوری رسید. مناطق آزاد قلمرو معینی است که غالبا در داخل یا نزدیکی یک بندر، در یک محدوده سرزمینی مشخص از یک کشور قرار دارد و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان جریان دارد. از تعریف بیان شده درخصوص مناطق آزاد می‌توان به فلسفه ایجاد آن پی برد.

همان‌طور که در تعریف سازمان ملل هم از مناطق آزاد به عنوان محرک تجارت آزاد یاد شده، می‌توان به این نتیجه رسید که هدف این مناطق تشویق تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان در جهت صادرات است؛ بر همین اساس در تعاریف جدیدی که از مناطق آزاد در جهان ارائه می‌شود، به منطقه آزاد پردازش صادرات نیز معروف است، که این مناطق را ناحیه صنعتی ویژه‌ای در خارج از مرز گمرکی می‌نامند که تولیدات آن بیشتر جنبه صادراتی دارد.

بی‌تردید مناطق آزاد کشورمان نیز از ظرفیت‌های منحصربه‌فردی با عنایت به زیرساخت‌های اجرا شده در این مناطق برخوردارند که در جهت توسعه اقتصادی در کشور ایفای نقش می‌کنند.

به‌واقع شاید تمام کشورهایی که مناطق آزاد در آنها ایجاد شده است، با این هدفگذاری بوده است که امکان ایجاد شرایط توسعه‌ای برای یک کشور را نمی‌تواند در یک زمان و یک شرایط برای کل یک سرزمین عملیاتی نمود و معمولا مناطقی را با توجه به ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها، برنامه‌ها و اسناد بالادستی آن مناطق به عنوان منطقه آزاد و ویژه اعلام کرده و ماموریت‌ها را برای این مناطق تدوین می‌کند و براساس آن، امکاناتی را در اختیار این مناطق قرار می‌دهند تا با توجه به اهداف و امکانات این مناطق بتوانند ماموریت‌های خود را محقق کنند.

طبیعتا دولت‌ها تلاش می‌کنند تا زیرساخت‌ها را تامین کنند و قوانین و مقررات منطبق با آن منطقه آزاد را مصوب نمایند و در مسیر اجرا در اختیار این مناطق قرار دهند و در این مسیر، مناطق آزاد هم با توجه به ماموریت‌ها، قوانین و ضوابط مشخص ترسیم شده با توجه به موقعیت‌هایی که دارند می‌توانند مثمرثمر واقع شده و این موضوعات را به کل کشور تعمیم دهند.

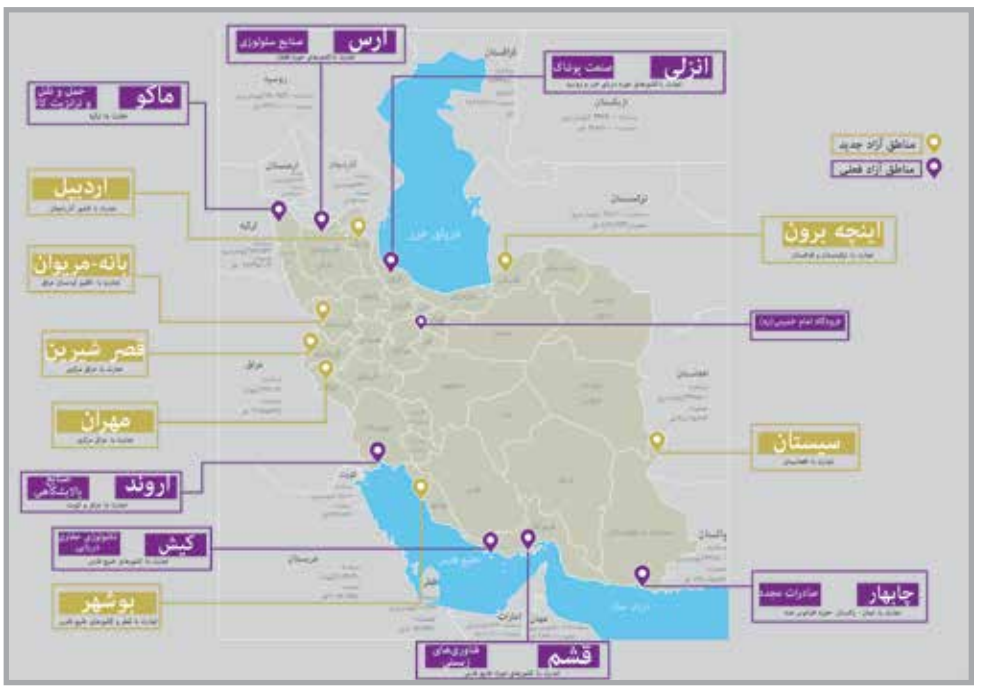

مناطق آزاد مبادی هستند که با تکیه بر ظرفیت‌های ایجاد شده در چندین دهه در این مناطق، می‌توان به عنوان بازوان کشور در توسعه اقتصادی و تجارت بین‌المللی با محوریت کشورهای همسایه، از این ظرفیت‌های بالقوه بهره برد و با توجه به نقش بزرگی که در جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در این مناطق وجود دارد، می‌توانند به نقاطی بدل شوند که با ایجاد منافع مشترک با کشورهای خارجی در حوزه‌های مختلف صنعتی، تولیدی، تجاری، ترانزیت و غیره، شرکای تجاری قوبی را در کنار خود داشته باشند که در زمان بحران‌های اقتصادی از ظرفیت‌های آنها در کمک به اقتصاد داخل کشور بهره‌گیری کرد.

مناطق آزاد تجاری-صنعتی و بین‌المللی‌سازی اقتصاد ایران

جهانی شدن درواقع بازتعریف جدیدی از نوع روابط بشری است که براساس آن متغیرهای زمانی و مکانی به عنوان عوامل ایجادکننده هر نوع رابطه‌ای دستخوش تغییر ماهوی شده است. در این میان می‌توان به متغیرهایی همچون تحولات صورت گرفته در تکنولوژی‌های ارتباطی و وسایل ارتباط جمعی و تغییرات صورت گرفته در وسایل حمل‌ونقل بین‌المللی میان قاره‌ای اشاره کرد که براساس آن نخست مسائل و رخدادهای نقاط مختلف جهان بر دیگر نقاط جغرافیایی اثرگذار می‌باشد؛ در عین حال افزایش سرعت و ایمنی حمل‌ونقل کالا و مسافر میان قاره‌ها از چندماه به چند هفته و یا چند ساعت، تمامی ساز و کارهای روابط اقتصادی و سیاسی میان کشورها را دستخوش تغییر ساخته‌است.

اگر تقسیم‌بندی‌های تحولات تمدن بشری را براساس انقلاب‌های کشاورزی-صنعتی و انقلاب فناوری و ارتباطات و همچنین تقسیم‌بندی تحولات تمدن بشری را به تمدن‌های کلاسیک، مدرن و فرامدرن یا پست‌مدرن تقسیم‌بندی کنیم، وجه‌مشترک این دو نوع تقسیم‌بندی، تغییر و تحولات صورت گرفته در تکنولوژی‌های ارتباطات بشری است که برآمده از ابزار نوینی است که نوع روابط را نیز دستخوش تحول نموده است. به‌طور مثال در اقتصاد کشاورزی، نوع روابط کار براساس شیوه تولید غیرسوداگرانه‌ای است که فروش و بازاریابی محصولات تولیدی را در شعاع جغرافیایی محدودی جستجو می‌کند؛ این شیوه تولید، نوع روابط کار و به ویژه بازاریابی متفاوتی را طلب می‌کند.

در همین راستا در دوران انقلاب دیجیتال و سایبری شدن جهان، دانش و صنعت مرز جغرافیایی و فرهنگ متمایزی ندارد و یک محصول در بستر اینترنت در نقاط مختلف جهان تولید می‌شود؛ الگویی که در این فضا می‌توان دلیل همه‌گیری ویروس کرونا تحلیل نمود.

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین مولفه‌های جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد است؛ به این معنا که کشورهای جهان اول برای کاستن از هزینه تولیدات خود در رقابت‌های جهانی و دستیابی سریع و تضمین شده به بازارهای یک کشور یا چندین کشور، اقدام به ایجاد خطوط تولید کالاهای خود در کشورهای مقصد کالاهای خود نمودند. البته این سرمایه‌گذاری برای آنها دستاوردهایی همچون تداوم ارتباط و وابستگی کشورهای توسعه نیافته و یا درحال توسعه را نیز به همراه داشت و برای کشورهای مقصد نیز جذب سرمایه‌گذار، اشتغال‌زایی و برون‌رفت از فضای ذهنی و اجتماعی ناشی از عقب‌ماندگی‌های گذشته را تداعی می‌کرد.

فرآیند جهانی شدن در عرصه‌های اقتصادی، دستاوردهایی همچون جهانی شدن سرمایه و سرمایه‌گذاری، گسترش و تنوع‌بخشی به تکنولوژی‌های جدید تولید، افزایش آگاهی عمومی از فرصت‌ها و چالش‌های تولید و تجارت در سطح منطقه‌ای با نگاهی بین‌المللی و لزوم پذیرش رژیم‌های واحد همکاری‌های اقتصادی همراه با تضمین منابع و محصولات تولیدی سرمایه‌گذار را الزامی نموده است.

اما مناطق آزاد ایران و جهانی شدن را می‌توان بر این اساس تبیین کرد که:

اولا؛ کارکردها و کارویژه مناطق آزاد ظرف چهاردهه اخیر را باید جزء ادبیات همکاری‌های منطقه‌ای و منطقه‌گرایی در روندهای جهانی شدن مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که براساس آن با عنایت به روند روبه گسترش نقش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در روابط اقتصادی داخلی و خارجی کشورها، دولت‌ها طی این مدت اقدام به تشکیل بلوک‌های منطقه‌ای با کشورهای هجوار به منظور گذار از کشورهای همسود به بلوک‌های همسو نمودند تا جایگاه اقتصادی خود را در رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حفظ نمایند.

ثانیا؛ از منظر قوانین (علی‌رغم عدم اجرای کامل و حذف برخی قوانین و مقررات)، مناطق آزاد ایران نزدیک‌ترین قوانین داخلی ایران برای جذب سرمایه‌گذار خارجی است که باید تمام و کمال از سوی همه نهادهای دولتی و افرادی ذی‌نفوذ سیاسی مورد احترام قرار گیرد، این ظرفیت را باید موردتوجه و تبلیغ قرار داد.

ثالثا؛ ویژگی‌هایی از مناطق آزاد ایران در چارچوب مصادیق جهانی شدن قابل تطبیق می‌باشند که از آن میان می‌توان به تنوع قومی و فرهنگی و دارا بودن قرابت‌های قومیتی با کشورهای همسایه و نزدیکی مراکز تولید و پردازش کالا به مبادی ورودی و خروجی محصولات تولیدی اشاره کرد. نکته متمایزی که در الگوی تولید ایرانی (به دلیل بعد مسافت چند صد کیلومتری میان مراکز تولید و مناطق ورود مواد اولیه و صدور کالاهای تولیدی) موجبات افزایش هزینه قیمت تمام‌شده تولید و در نتیجه کاهش رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی شده است.

رابعا؛ مناطق آزاد برخلاف مدیریت متمرکز و در عین حال چندبخشی در اجرا و نظارت قانون در سرزمین اصلی ایران که به طولانی بودن فرآیند و بوروکراسی اداری ارائه خدمات به سرمایه‌گذاران منجر می‌شود، دارای مدیریتی واحد و متمرکز در یک سازمان می‌باشند (به ویژه طبق ماده۲۷ قانون و تاکید ماده۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور) که مسیرهای تصمیم‌گیری و اجرا نه از تهران، بلکه در همان منطقه و با تکیه بر توانمندی‌های محلی و استانی شکل می‌گیرد.

خامسا؛ با توجه به بعد جغرافیایی با قطب‌های سیاسی و اقتصادی داخلی، می‌توان مناطق آزاد را الگویی برای اجرای معاهدات و توافق‌نامه‌های همکاری خارجی کشور قرار داد، تا علاوه‌بر قابلیت اجرای دقیق‌تر در محدوده جغرافیایی کوچک، امکان نظارت دقیق‌تر و رعایت الزامات پدافند غیرعامل را با کمترین اثرات سوء، قابل احصاء باشد.

سادسا؛ شرایط تحریمی حاکم بر کشور، به جز وقفه‌ای کوتاه در دوره اجرای برجام، به سمت سخت و همه‌جانبه شدن حرکت کرده است، در نتیجه باید با بهره‌برداری از فرصت‌هایی که در قالب بند یازده و حتی ده و دوازده سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که از سوی مقام معظم رهبری تصریح شده و ظرفیتی که در مجلس شورای اسلامی وجود دارد، با هم‌افزایی بخش خصوصی و سازمان‌های مناطق آزاد نسبت به برگزاری جلسات کاری مشترک به منظور برون‌رفت از شرایط تحریمی با تکیه بر مزیت‌های نسبی و رقابتی مناطق آزاد در مسیر گسترش همکاری‌ها با کشورهای همسایه دریایی و یا سرزمینی گام برداشت.

در پایان باید تصریح کرد، هنر ما در هدر دادن مزیت‌ها و تبدیل فرصت‌ها به تهدید است؛ باید از موقعیت جغرافیایی کشور که به آن مزیت‌های رقابتی قابل‌توجهی در عرصه ترانزیت کالا میان کشورهای هند، چین و روسیه با کشورهای اروپایی و کشورهای فوق به همراه ترکیه با شرق و جنوب آسیا اعطا نموده، استفاده کرد؛ باید پذیرفت که علی‌رغم همه تحدید و تهدیدات آمریکا و کشورهای همسوی او در منطقه، می‌توان امتیازهای منحصربه‌فردی در عرصه شکستن تحریم و تحقق فرصت‌ها و مزیت‌های متنوع موجود برای نسل کنونی و آینده به‌دست آورد؛ یعنی تبدیل تهدیدات بزرگ به فرصت‌های عظیم ملی.